



سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی
معاونت آموزش و ترویج کشاورزی

تاریخ شفاهی کشاورزی در قرن اخیر

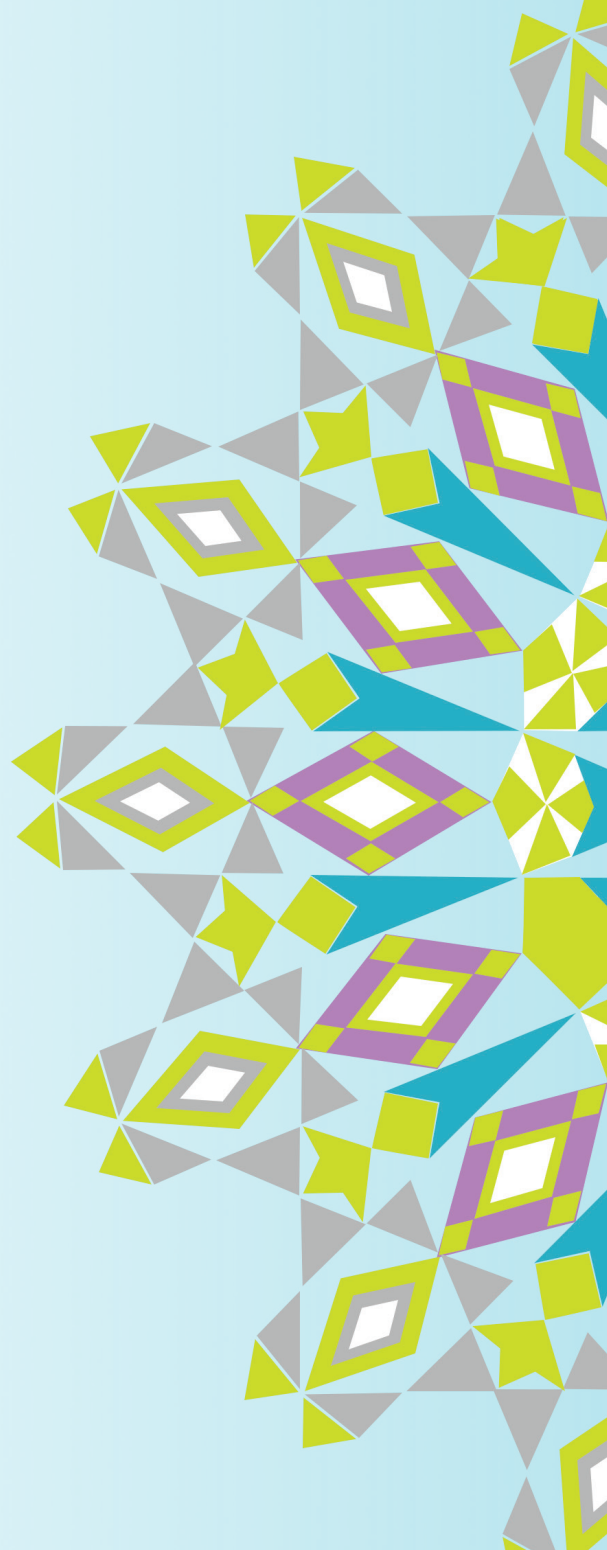
قسمت بیستم: گفت و گو با استاد محمد حسن ابریشمی

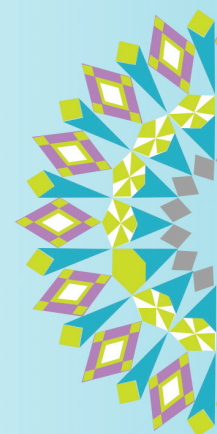


به کوشش: اسکندر زند، مهدی خلج، علی اکبر مؤیدی، خداکرم جلالی، سید کریم موسوی،

علیرضا سید اسحاقی و شہلا لجم اورک رمہ چری

۱۴۰۰







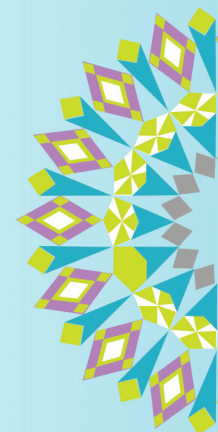
سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی
معاونت آموزش و ترویج کشاورزی



تاریخ شفاهی کشاورزی در قرن اخیر

قسمت بیستم: گفت و گو با استاد محمد حسن ابریشمی

محقق، نویسنده و پژوهشگر



سرشناسه	ايريشمی، محمدحسن، ۱۳۱۸-
عنوان و نام پديدآور	تاريخ شفاهي کشاورزي در قرن اخير قسمت بيستم: گفت و گو با استاد محمدحسن ايريشمی محقق، نويسنده و پژوهشگر/ به كوشش اسكندر زند ... [و ديگران] ؛ ويراستار زهره آقاجاني؛ تهيه شده در معاونت آموزش و ترويج کشاورزي، دفتر شبكه دانش و رسانه هاي ترويجي.
مشخصات نشر	تهران : سازمان تحقيقات، آموزش و ترويج کشاورزي، معاونت آموزش و ترويج کشاورزي، نشر آموزش کشاورزي، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهري	۶۲ ص: مصور(رنگي)؛ ۲۰×۲۰ س.م.
شابك	۹۷۸-۹۶۴-۵۲۰-۹۷۰-۲
وضعيت فهرست نويسی	فيا
يادداشت	به كوشش اسكندر زند، مهدي خلیج، علي اكبر مؤيدي، خداكرم جلالی، سيد كريم موسوی، عليرضا سيداسحاقی، شهلا لجم اور كمه چری
موضوع	ايريشمی، محمدحسن، ۱۳۱۸- -- مصاحبه ها
موضوع	کشاورزی -- ايران -- تاريخ -- قرن ۱۴
موضوع	Agriculture-- Iran-- History-- 20th century :
موضوع	تاريخ شفاهي -- ايران
موضوع	Oral history-- Iran :
شناسه افزوده	زند، اسكندر، ۱۳۴۶ - ، مصاحبه گر
شناسه افزوده	: سازمان تحقيقات، آموزش و ترويج کشاورزي. دفتر شبكه دانش و رسانه هاي ترويجي
شناسه افزوده	: سازمان تحقيقات، آموزش و ترويج کشاورزي. معاونت آموزش و ترويج کشاورزي. نشر آموزش کشاورزي
رده بندي كنگره	: S۴۷۱
رده بندي ديوبی	: ۶۳۰/۹۵۵
شماره كتابشناسي ملي	: ۸۵۲۴۵۳۱
اطلاعات ر كورد كتابشناسي: فيا	

ISBN: 978-964-520-970-2

شابك: ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۰-۹۷۰-۲



عنوان: تاريخ شفاهي کشاورزي در قرن اخير، قسمت بيستم: گفت و گو با استاد محمد حسن ايريشمی ، محقق، نويسنده و پژوهشگر

به كوشش: اسكندر زند، مهدي خلیج، علي اكبر مؤيدي، خداكرم جلالی، سيد كريم موسوی، عليرضا سيد اسحاقی و شهلا لجم اور كمه چری

مدیر داخلی: ویدا همتی

ویراستار: زهره آقاجانی

تهیه شده در: معاونت آموزش و ترويج کشاورزي، دفتر شبكه دانش و رسانه هاي ترويجي

ناشر: نشر آموزش کشاورزي

صفحه آرا: شهره حكيمي

نمونه خوان: فتح اله بهرامی

شمارگان: محدود

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۰

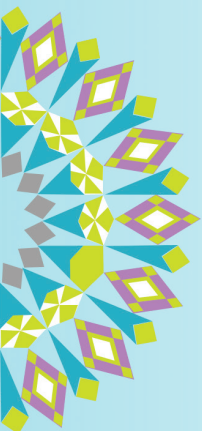
شماره ثبت در مركز فن آوری اطلاعات و اطلاع رسانی کشاورزي ۵۲-۴۰۰ ک به تاريخ ۱۴۰۰/۰۸/۲۲ است.

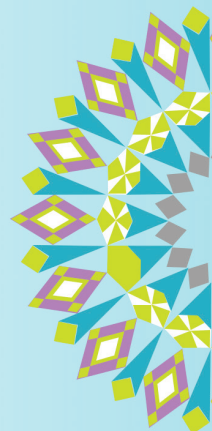
نشانی: تهران، خيابان آزادی، بين نواب و رودکی، پلاك ۲۰۵، معاونت آموزش و ترويج کشاورزي

تلفن: ۶۶۴۳۰۴۶۵ | تلفكس: ۶۶۴۳۰۴۶۴ | كد پستی: ۱۴۵۷۸۹۶۶۸۱

این هیچ‌مدان، «محمدحسن ابریشمی، که پدر و اجدادم یزدی الاصل اهل علم، پیشه‌ور در کشاورزی و نوغانداری و بازرگانی ابریشم بوده‌اند، در سال ۱۳۱۸، در تربت حیدریه متولد شده، در سه سالگی پدرم در گذشته است؛ در ۵ سالگی به مکتب رفته و با خواندن قرآن و صد کلمه آشنا شدم و کتاب‌های پدرم را می‌خواندم. در دبستان آموزگارم مشوقم در خواندن کتاب و نوشتن شد. وارد دبیرستان شدم با یکی از دوستانم در سال ۱۳۳۴ در دبیرستان قطب کتابخانه‌ای دایر کرده و کتاب‌ها را شبی ده‌شاهی (نیم ریال) کرایه می‌دادم. در سال ۱۳۳۹ با معدل بالا دیپلم گرفتم حدود ۲۰۰۰ جلد کتاب داشتم که اغلب آنها را خوانده بودم. در سال ۱۳۴۱ به همراه یکصد نفر قبول شدگان استخدامی بانک کشاورزی نخستین دوره بانکداری دانشگاه ملی را گذراندم. شادروان نظام وفا (شاعر و نویسنده نامدار) استاد آیین نگارش ما بود، روزی در کلاس قطعه‌ای از کتاب آیینۀ دل ایشان را از حفظ خواندم، مورد تشویق استاد و دانشجویان قرار گرفتم.

پس از پایان دوره دانشگاه ملی و اخذ دانشنامه، به کارآموزی در ادارات مرکزی بانک کشاورزی مشغول بودم. در سال ۱۳۴۲ به تربت جام منتقل شدم؛ همچنان به خرید کتاب و مطالعه و نوشتن می‌پرداختم. کار بانک کشاورزی زیاد بود، با این همه در مأموریت به روستاها یادداشت‌هایی از شیوه کشاورزی و باغبانی و آبیاری و دام و غیر آن تهیه می‌کردم. نخستین مقالات خود را تحت عنوان «شعرا و فضایی تربت جام» نوشتم که در روزنامه آفتاب شرق مشهد، مرتباً به چاپ می‌رسید. در سال ۱۳۴۳ به بنجورد منتقل شدم، طی دو سال خدمت در بانک کشاورزی و مأموریت در آن شهرستان، یادداشت‌های فراوانی از رستنی‌ها، پوشش گیاهی، وضعیت اقلیمی، کشت و کار و هر آنچه مربوط به رستنی‌ها و کشاورزی و باغبانی و آب و آبیاری و طبیعت منطقه بود با پرس و جو، جستجو و پژوهش اطلاعات زیادی به دست می‌آوردم.



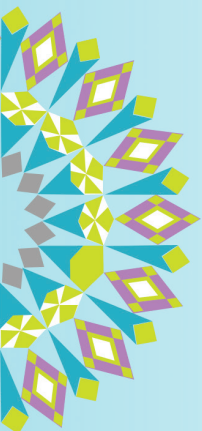


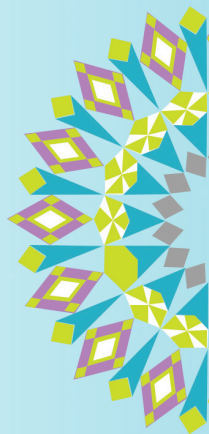
در سال ۱۳۴۶ ازدواج کردم، و مدت کوتاهی به زادگاهم تربت حیدریه منتقل شدم. طی مأموریت‌های بانکی اطلاعات فراوانی در باب موضوعات و مباحث مورد مطالعه خود از عرصه بسیار پهناور شهرستان تربت حیدریه و بخش‌های آن (خواف، رخشوار، محولات، زاوه، بایگ، رخ، کدکدن، و روستاهای بسیار عدیده و پراکنده آن) کسب کردم. هفت ماه بعد، در سال ۱۳۴۷ بنا بر ترغیب و معاضدت دانشمندان گرانقدر هم‌دیاریم، شادروانان حسینعلی راشد (وفات ۷ آبان ۱۳۵۹) و محمود شهابی (وفات مرداد ۱۳۶۵) به تهران منتقل و در اداره آمار و بررسی‌های بانک کشاورزی مشغول، و به مطالعه آمارها و تهیه گزارش می‌پرداختم، و در ضمن اوقات زیادی صرف مطالعه متون کهن و منابع جدید با موضوعات مختلف تاریخی، فرهنگی و فلاحتی و اقلیمی ایران می‌کردم. گاهی هم به تمرین خط می‌پرداختم رموز خوشنویسی را نزد شادروانان ابراهیم بوذری و حسین میرخانی اساتید خطاطی آموختم، با استاد گرانقدر محمدرضا شجریان و دوست هم‌دیاریم علی عریانی اساتید خط مشترکی داشتیم. به خرید کتاب نیز در باب موضوعات مورد پژوهش خود نیز همچنان ادامه می‌دادم.

به روانشناسی علاقمند شده بودم، به سال ۱۳۴۸ در کنکور رشته‌های علوم انسانی دانشگاه ملی ایران، نوبت شبانه ثبت نام کرده، بین ۳۷۰۰ شرکت کننده رتبه یازدهم را کسب کردم. سال اول روانشناسی خواندم، سال بعد، با تغییر رشته جامعه‌شناسی را دنبال کردم، چند گاهی تاریخ و ادبیات خواندم، و سرانجام با راهنمایی استاد دکتر ایرانپور جزنی در رشته جغرافیا ادامه داده و جمعاً بیش از ۲۲۰ واحد درسی را طی مدت شش سال (۱۳۴۸-۱۳۵۴) گذراندم؛ در این میان رساله پایان‌نامه‌ام را با عنوان «زعفران طلای سرخ کرانه کویر» زیر نظر دکتر رضا شعبانی استاد تاریخ در ۱۰۰ صفحه تدوین و تألیف کردم که بسیار مورد توجه قرار گرفت، چون مستند به ۷۸ منبع مختلف بود، و کلمه زعفران را معرب «زاپران» فارسی مرکب از کلمات (زا+پران) دانسته است که خاصیت سقط جنینی زعفران را در ماهیت

لفظی و گویشی خود دارد؛ افزون بر این گزارش نتایج حاصله از مطالعات و بررسی‌های مستمر کاشت سوخ (پیاز) زعفران در تهران (در کرت کوچکی در عرصه وسیع بانک کشاورزی واقع در ضلع جنوبی خیابان سپه) به مدت شش سال، در آن آمده بود.

باری، سختی‌های شش سال تحصیلات شبانه در دانشگاه ملی (واقع در اوین) و کار سنگین پژوهشی نگارشی روزانه در ادارات مرکزی بانک کشاورزی، و در ضمن آمد و شدهای مستمر از صبح ساعت ۷ تا ۱۱ شب بین خانه (واقع در خیابان فرح‌آباد، پیروزی کنونی) و بانک کشاورزی (ضلع جنوبی خیابان سپه، امام خمینی کنونی)، و دانشگاه ملی ایران (شهید بهشتی کنونی) برای این هیچ‌مدان لاغراندام (با ۴۵ کیلوگرم وزن) جداً جانکاه و طاقت‌فرسا بود. اما عشق به یادگیری و مطالعه نه تنها خستگی‌ها را می‌زدود بلکه موجب شادابی و نشاط جسم و جان می‌شد و همواره شوق و ذوق در کار پژوهش و نگارش را بر می‌انگیخت؛ و به راستی سختی‌های بسیار سازنده و امیدبخش بود، و مخصوصاً در تهیه گزارش‌های بانک کشاورزی نمود پیدا کرد. در سال ۱۳۵۳ با عنوان محقق به اداره آموزش بانک کشاورزی منتقل شدم، و ضمن کار پژوهشی در تدوین مطالب ماهنامه بین همکاران نقشی داشتم. در سال ۱۳۵۵ به اداره سازمان و روش‌ها منتقل شدم، و به پیشنهاد ریاست آن و موافقت مدیرعامل بانک مأموریت سه ماهه به منظور بررسی استعدادهای استان سیستان و بلوچستان، در اول تابستان عازم منطقه شدم. طی سه ماه سرتاسر استان را گشتم و یادداشت‌های فراوانی تهیه کردم و گزارشی در ۲۵۰ صفحه درباره استعدادهای طبیعی، شرایط اقلیمی و آب و هوایی، اوضاع و احوال کشاورزی، اقتصادی و اجتماعی، با پیشنهادهای سازنده عملی، مخصوصاً در زمینه‌های سرمایه‌گذاری ارائه دادم که مورد توجه قرار گرفت و پاداشی به مخلص اعطا کردند که صرف خرید منابع و متون کهن مورد نیاز شد و تعداد عناوین کتاب‌هایم به ۵۰۰۰ رسید.

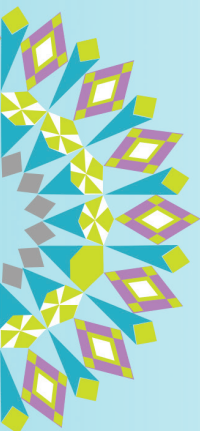


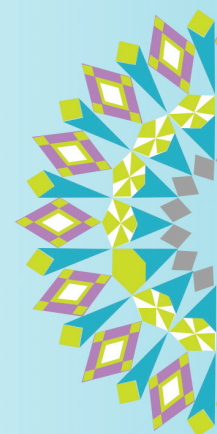


پژوهش در باب زعفران را ادامه دادم، و در باب دیگر محصولات طبیعی و کشاورزی ایران یادداشت‌های فراوانی تهیه کردم. در سال ۱۳۵۹ گزارشی با عنوان «انقلاب آموزشی، تبدیل بسیاری از مدارک تحصیلی به جواز تولید» را در ۷۸ صفحه در قطع رحلی تألیف کرده، برای اعضای شورای انقلاب فرهنگی و مقامات جمهوری اسلامی ارسال داشتم که مورد توجه قرار گرفت. در سال ۱۳۶۲ مأمور خدمت در وزارت کشاورزی شدم؛ پژوهش در باب زعفران را ادامه داده، کتابی با عنوان زعفران طلای سرخ حاشیه کویر را در ۳۰۸ صفحه نوشتم که نسخ محدودی از آن در وزارت کشاورزی تکثیر شد. در تیرماه سال ۱۳۶۲، مقاله زعفران طلای سرخ حاشیه کویر، در مجله زیتون، شماره ۲۵ دوره ۳ ص ۵۲-۵۷ انتشار یافت. در سال ۱۳۶۳ تألیف کتاب شناخت زعفران/ایران را به انجام رساندم، و به بانک کشاورزی بازگشتم. در این میان به پژوهش در باب مقولاتی از تاریخ کشاورزی و فرهنگی ایران ادامه داده یادداشت‌های فراوانی تهیه کردم. در سال ۱۳۶۴ پیش‌نویس کتاب شناخت تاریخی پسته/ایران را در ۸۷۶ صفحه به انجام رساندم و در شهریور ماه ۱۳۶۵ بازنشر شده. در سال ۱۳۶۶ کتاب شناخت زعفران/ایران توسط انتشارات توس در ۳۰۰۰ نسخه منتشر شد. در آبان ۱۳۶۷ کتاب پژوهشی پیرامون دوازده قرن زعفران در شعر فارسی تألیف اینجانب، توسط سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران (مرکز خراسان) در ۲۰۰ نسخه تکثیر و در همایش زعفران در مشهد توزیع شد.

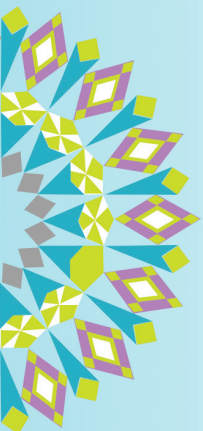
در دی ماه ۱۳۶۷ پیش‌نویس کتاب زعفران/ایران شناخت تاریخی و فرهنگی و کشاورزی را به انجام رساندم. به پیشنهاد استاد دکتر زرین کوب اصلاحاتی باید انجام می‌دادم. مقارن با آن پژوهش‌هایی در باب شناخت ابریشم را دنبال نموده و مقاله‌ای با عنوان «شناخت ابریشم ایران» تألیف کرده که در مجله تحقیقات تاریخی (شماره ۴ و ۵، بهار و تابستان ۱۳۶۹، تهران، ص ۱۲۳-۱۵۳) چاپ و منتشر شد؛ و در آن با ارائه مستندات فراوان منشأ ایرانی بودن کشف کرم پيله و ابریشم ثابت کرده است. تلخیصی از آن

مقاله خطابه این جانب در کابل «سمینار بین‌المللی کوشانیان و راه ابریشم (۲۸-۲۹ ماه عقرب / آبان ۱۳۶۹) در کابل بود، که بخش‌هایی از آن از تلویزیون افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی پخش شده است. در شهریور ۱۳۷۱ کتاب *پسته‌نامه* پژوهشی پیرامون پسته در فرهنگ ایرانی و ادب فارسی را به انجام رساندم که توسط اداره آمار و بررسی‌های اقتصادی چاپ و منتشر شد. در سال ۱۳۷۳ کتاب *پسته ایران شناخت تاریخی* توسط مرکز نشر دانشگاهی (در ۷۰۰ صفحه با قطع وزیری) در ۴۰۰۰ نسخه انتشار یافت که برنده جایزه کتاب گزیده سال (سکه و مکه) شد و نسخ آن خیلی زود نایاب گردید. در سال ۱۳۷۴ کتاب *زعفران ایران شناخت تاریخی و فرهنگی و کشاورزی* توسط انتشارات آستان قدس رضوی (در ۸۹۰ صفحه با قطع وزیری) در ۳۰۰۰ نسخه منتشر گردید، این کتاب از جانب شادروان استاد دکتر عبدالحسین زرین کوب به جای «یک رساله دکترای ادبیات فارسی» پذیرفته شد که متن آن در پیشگفتار کتاب آمده است. در این میان مقالات زیادی از مخلص در مجلات علمی و تخصصی و نیز روزنامه اطلاعات چاپ و منتشر شده است. از جمله در سال ۱۳۸۲ *تاریخچه بانک کشاورزی ایران*، در کتاب *هفتاد سال تلاش بانک کشاورزی* (ص ۵۵-۹۸) تألیف این هیچ‌مدان به چاپ رسید. در سال ۱۳۸۳ کتاب *زعفران از دیرباز تا امروز* با یادداشت عالمانه شادروان ایرج افشار و متن انگلیسی ویلم فلور (دانشمند و ایران‌شناس هلندی مقیم امریکا) در معرفی کتاب توسط انتشارات امیرکبیر (در ۸۹۰ صفحه با قطع وزیری) در ۲۰۰۰ نسخه به چاپ رسید. زان پس به تحقیقات در باب مباحثی از تاریخ فرهنگی و فلاحی ایران ادامه داده و چندین مقاله در این باب تألیف کرده که منتشر شده است. همچنین طی چهار سال اخیر تألیف کتاب *رستنی‌ها و پدیده‌های نباتی در تاریخ طبری* را به انجام رسانده که توسط مرکز نشر دانشگاهی در دست چاپ است و انشاءالله در نیمه اول سال جاری (۱۴۰۰) منتشر خواهد شد.





تاریخ مانند آینه‌ای است که با نشان دادن گذشته، حرکت به جلو و آینده را آسان‌تر و کم‌هزینه‌تر می‌کند. از این رو هدف اصلی تاریخ، نه شناخت گذشته، بلکه درک بهتر زمان حال است. کشاورزی نیز از مقوله‌هایی است که تاریخی کهن داشته و باید از این پیشینه، تجربیات، و دانش سنتی نهفته در آن برای آینده درس گرفت. کشاورزی در طی تاریخ در ایجاد مدنیت و تشکیل تمدن‌ها نقش مهمی داشته و بی‌توجهی به آن در مقاطعی از تاریخ زمینه‌ساز اضمحلال تمدن‌ها شده است. بشر از بیش از ده هزار سال قبل برای به دست آوردن غذا شروع به کشت گیاهان و پرورش حیوانات کرد و این کار را کشاورزی نامید و از آن زمان تا کنون کشاورزی دستخوش تغییرات زیادی شد و چهار نسل تحت عنوان کشاورزی ۱، ۲، ۳ و ۴ را طی کرده است. کشاورزی نسل ۱ از ۱۰ تا ۱۲ هزار سال قبل شروع و تا قرن نوزدهم ادامه داشت، در این دوره کشاورزی اساساً با کار بدنی زیاد انجام می‌شد و ریشه در روش‌های سنتی داشت. کشاورزی نسل ۲ در قرن نوزدهم و هم‌زمان با انقلاب صنعتی آغاز شد؛ انقلابی که بر همه جنبه‌های زندگی انسان تأثیر عمیقی گذاشت و در این میان، کشاورزی نیز دستخوش تغییرات جدی شد. مهم‌ترین تأثیر انقلاب صنعتی، کاربرد گسترده ماشین‌آلات و نهاده‌هایی مانند کود، سم و بذور اصلاح شده در کشاورزی بود و به دلیل پیامدهای زیست‌محیطی حاصل از مصرف نهاده‌ها، آلودگی آب و خاک و از بین رفتن تنوع زیستی و تهدید سلامت انسان و دیگر موجودات، انسان به فکر نوعی از کشاورزی افتاد که آن را کشاورزی پایدار نامید. به دنبال این تفکر و پیشرفت‌های به‌وجود آمده، موضوع کشاورزی دقیق با عنوان کشاورزی نسل ۳ مطرح شد و استفاده بهتر و بهره‌ورانه‌تر از نهاده و همچنین کیفیت و سلامت محصولات، بسیار مورد توجه قرار گرفت. از اوایل سال ۲۰۱۰ پیشرفت فن‌آوری‌هایی مانند حسگرها، ریزپردازنده‌ها، ارتباطات سلولی پهن باند، سیستم‌های مبتنی بر رایانش ابری و تجزیه و تحلیل کلان داده‌ها باعث رشد فزاینده‌ای در کشاورزی دقیق شد و با ورود هوش مصنوعی و ارتباطات ماشین به ماشین نظیر اینترنت اشیا از اوایل سال ۲۰۱۴ کشاورزی نسل ۴ تحت عنوان کشاورزی هوشمند مطرح گردید.





با مروری بر تاریخ کشاورزی جهان و انطباق آن با کشاورزی ایران، به این نتیجه می‌رسیم که هر چند کشاورزی ایران عمدتاً در نسل دوم و در حال حرکت به سمت نسل سوم است، ولی هنوز نمونه‌هایی از کشاورزی نسل اول نیز به‌طور محدود و کم‌رنگ در برخی از روستاهای ایران یافت می‌شود. در خصوص کشاورزی نسل چهارم هنوز دنیا در ابتدای راه است و در ایران نیز علاقمندی به حرکت در این مسیر دیده می‌شود و نمونه‌هایی از هوشمندسازی در سامانه‌های آبیاری و یا صنایع پرورش دام، طیور و آبزیان را نیز در بخش‌هایی از کشور می‌توان مشاهده کرد.

علی‌رغم مطالب فوق، متأسفانه کشاورزی ایران بر خلاف بسیاری از رشته‌ها، هنوز از تاریخ مدونی برخوردار نیست. البته برخی از محققان و علاقمندان برای تاریخ‌نگاری کشاورزی ایران تلاش‌های فراوانی کرده‌اند، ولی از آنجا که ایران کشوری با پیشینه‌ای غنی است و یکی از مراکز مهم پیدایش کشاورزی جهان نیز محسوب می‌شود، آنچه تا کنون انجام شده بخش کوچکی از این تاریخ است و شایسته است که در آینده، تاریخ کشاورزی ایران بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

مجموعه حاضر به‌منظور کمک به ثبت برخی از تجربیات ۵۰ سال گذشته و مرور بر مقطع کوتاهی از تاریخ کشاورزی ایران طراحی شده است. در این مجموعه سعی شده است تجارب و نقطه‌نظرات چند گروه از صاحب‌نظران بخش کشاورزی کشور شامل وزرای کشاورزی، برخی از رؤسای کمیسیون کشاورزی، آب، منابع طبیعی و محیط زیست مجلس شورای اسلامی و تعدادی از صاحب‌نظران دانشگاهی و غیر دانشگاهی بخش کشاورزی به‌صورت مکتوب یا در قالب مصاحبه حضوری اخذ شود. شایان ذکر است که بدین‌منظور، از همه وزرای کشاورزی بعد از انقلاب اسلامی دعوت به عمل آمد و خوشبختانه با استقبال اکثریت آن‌ها مواجه شد. از بین این شخصیت‌ها، جناب آقای دکتر صادق خلیلیان به دلیل مکتوب‌سازی تجربیات در قالب کتابی که در دست تدوین است، علاقمندان را به مطالعه این مجموعه ارزشمند که به زودی در اختیار قرار خواهد گرفت، راهنمایی کردند.

این مجموعه، هم به صورت یک کتاب جامع (که در آن همه نظرات صاحب نظران تجميع خواهد شد) و هم به صورت تک نگاشت (که در آن نظرات هر یک از صاحب نظران به صورت جداگانه وجود دارد) چاپ و روی سایت تالار ترویج کشاورزی نیز بارگذاری خواهد شد. امیدواریم که این حرکت کوچک بتواند آیندگان و علاقمندان را با بخشی از دیدگاه‌های بزرگانی که در این مجموعه، نظرات ارزشمند خود را در اختیار قرار دادند آشنا کند و از این تجارب گرانبها و نظرات راهبردی برای تحول آینده کشاورزی ایران به عنوان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر استفاده شود.

از همه بزرگوارانی که ما را در مراحل مختلف تدوین این مجموعه همراهی کردند به ویژه دوستان در معاونت آموزش و ترویج کشاورزی و حوزه مشاوران وزیر که نام آن‌ها در فهرست زیر آمده بسیار سپاسگزاریم. آقای دکتر سید کریم موسوی (قائم‌مقام و معاون اداری و مالی)؛ آقای مهندس جمشید پیشکار (مدیر حوزه ریاست)؛ سرکار خانم مهناز نصرالهی (مدیر روابط عمومی)؛ آقای محمود نوری (مسئول دفتر مشاوران وزیر)؛ سرکار خانم ویدا همتی (رئیس گروه رسانه‌های ترویجی)؛ آقای فتح اله بهرامی (رئیس گروه شبکه دانش و فناوری‌های نوین)؛ آقای سینا مقدمی (مسئول رایانه و فن‌آوری اطلاعات)؛ خانم شهره حکیمی (تنظیم متن گفت و گو)؛ سرکار خانم زهره آقاجانی (ویراستار)؛ آقایان بهزاد عموجعفری و محمد روستائی (تصویربرداران)؛ آقای مهدی ساروقی (مسئول فنی)؛ آقای مهدی فیروزیار (عکاس)؛ آقایان ایمان میروردیزاده و مهدی طائرپور (امور هماهنگی)؛ آقای محمود کاشانی (حمل و نقل).

کمیته تدوین تاریخ شفاهی کشاورزی ایران

اسکندر زند، مهدی خلج، علی اکبر مؤیدی، خداکرم جلالی، سید کریم موسوی،

علیرضا سید اسحاقی و شهلا لجم اورک رمه چری

❖ دکتر خلیج:

بسم الله الرحمن الرحيم. ضمن عرض سلام و خیر مقدم خدمت استاد ابریشمی، از اینکه دعوت کمیته تدوین تاریخ شفاهی کشاورزی را پذیرفتید سپاسگزارم. استاد ابریشمی به تعمق و سخت کوشی، عشق به کتاب و کتاب خوانی، و نگارش شهره هستند. در این فضا تلاش وافی کرده اند، مقالات و کتاب های متعددی دارند و سابقه ایشان در این موارد غنی است. برای معرفی ایشان به همین مقدمه کوتاه و فشرده بسنده می کنم و از خود استاد تقاضا دارم که توضیحات را شروع کنند.





در مطلع مصاحبه و برای اینکه کمی هدفمندتر و هدایت شده تر جلو برویم، خدمت ایشان عرض می کنم که هدف این مصاحبه و دعوت از همه شخصیت های مورد نظر این است که بتوانیم از تجارب گذشته برای تحول آینده استفاده کنیم. از آنجا که همه تلاش های شما در جهت تاریخ کشاورزی و تاریخ ایران بوده است از شما تقاضا می کنیم که با توجه و تمرکز بر تاریخ کشاورزی ایران شروع بفرمایید. سؤالاتی را قبلاً تقدیم کرده ایم ولی همانطور که فرمودید شاید خیلی آن سؤالات با چارچوب فکری شما هماهنگ نباشد ولی ما می خواهیم از همان شناخت و تجارب غنی که شما از تاریخ کشاورزی دارید برای تحول، اصلاح و تکامل آینده کشاورزی کشور بهره ببریم. کشاورزی سازگار با اقلیم، نافع برای کشاورز و کشاورزی ای که بتواند یک اقتصاد سالم و رقابتی و در نهایت صادراتی را برایمان سامان دهد.

❖ استاد ابریشمی:

به نام خدا، خرداد و گردان سپهر آفرید. خیلی متشکرم. سپاسگزارم از اینکه جمع شما فرهیختگان در اندیشه تدوین تاریخ شفاهی کشاورزی ایران هستید؛ همت به خرج داده و برای برنامه ریزی و اجرا وقت صرف کرده اید. از مسئولان، مدیران، صاحب نظران و فرهیختگان، در رده ها و رشته های مربوط، و شخصیت های با دانش و تجربه (که برخی سی سال در سازمان های مختلف وزارت کشاورزی و وابسته خدمات و اقدامات ارزنده ای داشته اند) برای مصاحبه دعوت کرده اید. بی گمان این اندیشه و اقدام به ثمر می نشیند و اثری بسیار مفید و ماندگار از مصاحبه ها برای چاپ و نشر آماده خواهد شد. اثری مکتوب که در بردارنده اندیشه ها و دیدگاه ها، تجارب و پیشنهادهای شخصیت های ممتاز در رشته ها و رده های مختلف علمی و عملی کشاورزی ایران



عصر حاضر خواهد بود. اثری که در عین حال جستاری از تاریخ کشاورزی ایران را به خود اختصاص می‌دهد و بازتاب‌دهنده خلاصه‌ای از دانش‌ها و تجارب و خاطرات هر یک از مصاحبه‌شوندگان است. به خصوص که برخی از آنان افزون بر خدمات ارزنده در ادارات وزارت کشاورزی یا سازمان‌های وابسته به مشاغل عمده مدیریتی و حتی وزارت رسیده‌اند و بعضی با کسب مدارج علمی بالاتر به تدریس در دانشگاه‌ها پرداخته و برخی تألیفاتی نیز دارند. چاپ و نشر حاصل مصاحبه با آنان می‌تواند برای عموم، به‌ویژه کارکنان و مدیران جوان، و دانشجویان و اساتید رشته‌های مختلف علوم و فنون کشاورزی و باغبانی و امور وابسته آموزنده باشد. قطعاً چاپ و انتشار این مجموعه اقدامی ابتکاری سنجیده و بسیار ارزنده است. به‌ویژه که پس از انتشار، جامعه کنونی و آیندگان در خواهند یافت که در این دوران بسیار سخت و روزگاران تلخ به لحاظ شرایط تحریم‌ها، و عوارض و نابسامانی‌ها و رنج‌ها و آلام ناشی از اشاعه ویروس هراسناک کرونا- باز هم چنین تلاش‌های سودمند و آموزنده ماندگاری انجام شده است.

باری، بهتر است در سرآغاز گفتار خود به دو نکته اشاره کنم. نخست آنکه این هیچ‌مدان از ۸۱ سال عمر خود بیش از ۷۲ سال با کتاب و خواندن مأنوس و محشور بوده و اکثر ساعات روز و شب زندگی‌اش با مطالعه سپری شده است. در ربع قرن خدمت در بانک کشاورزی، باز هم بیشتر اوقاتش صرف مطالعه و پژوهش و نگارش و تهیه گزارش شده و در ضمن انبوهی از منابع و متون کهن را فراهم آورده است. پس از آن، طی ۳۵ سال دوران بازنشستگی با فراغت خیال به مطالعه و پژوهش در باب تاریخ کشاورزی ایران ادامه داده و آثاری منتشر کرده است.^۱

۱. نخستین تألیف پژوهشی این هیچ‌مدان با عنوان «زعفران طلای سرخ کرانه‌های کویر» در ۱۱۰ صفحه است که رساله پایان‌نامه دوره لیسانس جغرافیا در دانشگاه ملی ایران (زیر نظر اساتید دکتر رضا شعبانی و دکتر ایرانپور جزنی) در سال ۱۳۵۱ به پایان رسانده‌ام. پس از آن به تحقیق ادامه داده، یازده

به همین دلیل، این هیچ‌مدان (محمدحسن ابریشمی) در نوشتن و نوشتار تا حدی وارد، اما در سخن و گفتار گند و ناوارد و معذور است. بر همین اساس تقاضا دارم صحبت‌هایم که ضبط و ثبت شد به مخلص ارائه دهند تا با تجدید تحریر نظم منطقی به صحبت‌های پراکنده خود بدهم و به مستنداتی اشاره کنم. نکته دوم و با اهمیت آنکه باید از دانشمندان و متخصصان برجسته وفات‌یافته در رشته‌های مختلف علوم و فنون کشاورزی یاد کرده و برای آنان از ساحت حضرت احدی و ذات سرمدی طلب آموزش کنم. بزرگانی که دانش‌ها و تجارب فراوانی داشته و عمری برای ایجاد تحول و اعتلای کشاورزی ایران صمیمانه خدمت کرده‌اند. جا دارد به‌منظور ارج‌نهادن به تلاش‌های بی‌شائبه مدیریتی، پژوهشی، علمی و عملی آنها از این بزرگان از دنیا رفته یاد شود و انشاءالله توسط این کمیته مبتکر کوشا شرح حالی کوتاه و فهرستی از اقدامات و آثار تحقیقی و تألیفی هر یک جداگانه یا به همراه حاصل گفتگوها چاپ و منتشر شود. این بزرگان شخصیت‌هایی والا و ارجمند بوده‌اند که با خدمات ارزنده خود مایه مباهات هستند و همواره نام و نشان آنان بر جا خواهد ماند؛ شرح احوال آنان می‌تواند آموزنده برای عموم، به‌ویژه مدیران، پژوهشگران، کارشناسان و کشاورزان و مخصوصاً جوانان باشد. به عنوان دو نمونه می‌توانم از شادروانان دکتر تقی بهرامی (مهندس و دکتر در فلاحات) و حاج

سال بعد (در سال ۱۳۶۲) کتاب زعفران طلای سرخ حاشیه کویر را در ۳۰۸ صفحه تألیف کردم. در سال ۱۳۶۳ تألیف کتاب شناخت زعفران ایران در ۳۲۰ صفحه به انجام رساندم که در سال ۱۳۶۶ توسط انتشارات توس منتشر شد. در سال ۱۳۶۷ کتاب پژوهش پیرامون دوازده قرن زعفران در شعر فارسی در تیراژی محدود و در مشهد به چاپ رسید که در همایش زعفران توزیع شد. در شهریور ۱۳۷۱ کتاب پسته‌نامه (پژوهشی پیرامون پسته در فرهنگ ایرانی و ادب پارسی، در ۱۲۰ صفحه در قطع رحلی) توسط بانک کشاورزی چاپ و منتشر شد؛ در سال ۱۳۷۳ کتاب پسته ایران شناخت تاریخی (در ۷۰۰ صفحه در قطع وزیری) توسط مرکز نشر دانشگاهی در چهار هزار نسخه انتشار یافت و کتاب گزیده سال شد؛ در سال ۱۳۷۶ کتاب زعفران ایران شناخت تاریخی و فرهنگی کشاورزی (در ۸۸۰ صفحه وزیری) توسط انتشارات آستان قدس در ۳۰۰۰ نسخه منتشر شد؛ در سال ۱۳۸۳ زعفران از دیرباز تا امروز (در ۸۶۰ صفحه وزیری) توسط انتشارات امیرکبیر در ۲۰۰۰ نسخه انتشار یافت. افزون بر این حدود ۱۲۰ مقاله پژوهشی با موضوعات گوناگون در زمینه تاریخ فرهنگی و فلاحی و وابسته به آن چاپ و منتشر شده و اکنون اسفندماه ۱۳۹۹ کتاب رستنی‌ها و پدیده‌های نباتی در تاریخ طبری توسط مرکز نشر دانشگاهی (در ۸۳۰ صفحه وزیری) منتشر شده است.



غلامرضا آگاه (قدیم‌ترین متخصص پر تجربه در امور باغبانی و تولید و تجارت و صادرات پسته ایران) یاد کرده، و شرحی کوتاه از زندگی و خدمات آنان نقل کنم:

۱. **تقی بهرامی** (متولد ۱۲۷۷ در تفرش اراک، تاریخ وفات احتمالاً ۱۳۶۶) مهندس کشاورزی، پس از اخذ دکترای کشاورزی از دانشگاه فردریش ویلهلم آلمان (اکنون دانشگاه هومبولت برلین) به وطن بازگشت و عهده‌دار مشاغل در ادارات «فلاح» و «جنگل» شد. در سال ۱۳۲۰ عهده‌دار ریاست دانشکده کشاورزی کرج گردید. دکتر بهرامی از پرکارترین دانشمندان ایرانی قرن حاضر بوده و تألیفات و مقالات فراوانی در زمینه کشاورزی و رشته‌های مربوط و وابسته به آن چاپ و منتشر کرده است، و کتاب‌های پژوهشی و علمی زیادی در همین رشته‌ها نوشته است. وی در سال ۱۳۱۲ مجله فلاح را تأسیس کرده و در همان سال کتاب فلاح را (با ۹۱۸ صفحه در قطع وزیری) در تبریز به چاپ رسانده است. در سال ۱۳۱۷ (فرهنگ روستایی یا دایرة المعارف روستایی با ۱۲۵۰ صفحه در قطع وزیری) در تهران منتشر کرده است، وی تاریخ کشاورزی ایران و نیز جغرافیای کشاورزی ایران را تألیف کرده که ظاهراً توسط دانشگاه تهران چاپ و منتشر شده است. بنده که با آثار علمی عدیده ایشان آشنایی دیرینه‌ای داشتم به‌منظور معرفی این دانشمند پرکار شرحی از احوال و آثار ایشان تهیه کردم که تلخیصی از آن، در اسفند ۱۳۸۹ در خبرنامه پسته چاپ و منتشر شد.^۱ در تیر ۱۳۹۷ همایشی در دانشگاه تهران با عنوان «نقش مطبوعات علمی در پیشبرد دانش ایران: (از قاجار تا کنون)» برگزار شد. این حقیر طی سخنرانی خود با عنوان «مهم‌ترین و قدیم‌ترین مجلات کشاورزی ایران» به معرفی دو دانشمند پیش‌کسوت در تأسیس مجلات تخصصی کشاورزی با عناوین «الف. سعید نفیسی و

۱. خبرنامه پسته (نشریه انجمن پسته ایران)، تهران، سال سوم، شماره ۵۰ اسفند ۱۳۸۹، ص ۲۳، ذیل عنوان «دکتر تقی بهرامی نخستین تحصیل‌کرده در رشته کشاورزی در آلمان».



مجلهٔ فلاح» و «ب. تقی بهرامی و مجلات فلاح و آب و خاک» پرداختم و با تمجید از این بزرگواران در گذشته، پیشنهادهایی نیز ارائه کردم. متن این سخنرانی در پاییز ۱۳۹۷^۱ و با افزوده‌هایی در سال جاری چاپ و منتشر شده است.^۲

۲. غلامرضا مرشدزاده یزدی (متولد ۱۲۸۰ در مشهد) معروف به حاج غلامرضا آگاه، قدیم‌ترین متخصص در امور مختلف تولید و تجارت و صادرات پسته ایران (وفات ۲ مرداد ۱۳۶۵ در تهران) خدمات قابل ذکر زیادی دارد. این هیچ‌مدان در سال ۱۳۶۴ پیش‌نویس هشتصد صفحه‌ای کتاب پسته ایران را برای دریافت نظر آقای آگاه، به لحاظ اطلاعات و تجارب عمیق و همه جانبهٔ ایشان در امور مختلف پسته، برای ایشان فرستادم. آن مرحوم با وجود کهولت سن (۸۴ سال عمر) با فرزند ارشد خود (مرحوم حاج علی آگاه) در مدت پنج ماه مطالب آن را با دقت مطالعه کرده بودند. طی دو ملاقات چندساعته که با آنان داشتم نکات علمی و عملی سودمندی یادآور شدند که شرح آن در کتاب پسته ایران شناخت تاریخی آمده است.^۳ علاوه بر این نمونه‌هایی از یادداشت‌های ایشان را نقل کرده‌ام که در بردارندهٔ شرحی از اقدامات عملی نامبرده در فاصلهٔ سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۱۹ است. اقداماتی که منجر به پیوند چهارصد هزار درختان جنگل وحشی جبال بارز و بافت کرمان به پسته و بادام شده است.^۴

۱. بیست و شش گفتار دربارهٔ نسخه‌های خطی، زیر نظر دکتر رسول جعفریان، تهران، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، پاییز ۱۳۹۷، مقاله «مجلهٔ فلاح مظفری»، مقدمهٔ مهم‌ترین مجلات کشاورزی، ص ۹۴۱-۹۶۱، پژوهشی از محمدحسن ابریشمی.

۲. روزنامهٔ اطلاعات، شماره ۲۷۶۴۴ چهارشنبه ۱۲ شهریور ۱۳۹۹ ضمیمهٔ فرهنگی، ص ۶، ذیل عنوان تاریخچهٔ مجلات کشاورزی تا شماره ۲۷۶۸۸ چهارشنبه ۷ آبان ۱۳۹۹، شرح احوال و آثار مرحوم دکتر تقی بهرامی در شماره‌های ۲۷۶۴۴ و ۲۷۶۵۰، ص ۶ ضمیمهٔ فرهنگی آمده است.

۳. پسته ایران، ص ۱۴۸.

۴. پسته ایران، ص ۱۱۳، ۱۱۴.



این هیچ‌مدان شرح حال و اقدامات سازنده و مفید ایشان را ذیل عنوان «نقش مرحوم حاج غلامرضا آگاه در توسعه صنعت پسته ایران» نوشته‌ام که در مجله خبرنامه پسته در اسفند ۱۳۸۹ منتشر شده است. از آن جمله به سفر دو نفر از متخصصان ارشد امریکایی به ایران به منظور تحقیق در باب پسته اشاره کرده و شرحی درباره بهره‌مندی آن دو از تجارب و آموزه‌های آگاه نقل کرده‌ام: گفتنی است که دکتر وایت هاوس، از کارشناسان زبده باغبانی مرکز تحقیقاتی شهر چیکو (در شمال ایالت کالیفرنیا) در سال ۱۳۰۸ مأموریت یافت ضمن سفر به مناطق پسته‌خیز ایران گزارشی در امور باغبانی و شیوه پرورش و پیوند ارقام درختان پسته تدوین کند. وی در ایران مخصوصاً در استان کرمان توقف طولانی و آمد و شدهای پیاپی به رفسنجان داشت. وایت هاوس تجارب زیادی از پسته‌کاران ایرانی و باغداران پسته در رفسنجان کسب نموده و مخصوصاً از غلامرضا مرشدزاده در نوشته‌هایش یاد کرده است. در سال ۱۳۳۲ مرحوم غلامرضا آگاه رساله‌ای با عنوان ایجاد باغ پسته تألیف کرد که مورد استفاده ویلیام بمبوئر (کارشناس امریکایی پسته) قرار گرفته است. بمبوئر نیز ضمن اقامت نسبتاً طولانی در ایران نتیجه تحقیقاتش را در سال ۱۹۵۶ م / ۱۳۳۵ ش در امریکا منتشر کرد. بمبوئر، همانند وایت هاوس، به آموخته‌های خود از تجارب غلامرضا آگاه اشاره کرده است. هنوز آموزه‌های مرحوم حاج غلامرضا آگاه و برخی پسته‌کاران قدیمی ایرانی در تألیفات و نشریات مربوط به پسته در امریکا بازتاب دارد. باید گفت پایبندی محققان و متخصصان امریکایی به ذکر منابع و مآخذ در تحقیقات و تألیفات و گزارش‌های خود قابل ستایش است. آنان به دقت به آموخته‌های خود از پیش‌کسوتان و متخصصان صنعت پسته ایران یاد کرده و می‌کنند. این گونه استنادها برای تدوین تاریخ کشاورزی و باغبانی امریکا و همچنین ایران قابل توجه و اهمیت بسیار است.

جا دارد از نخستین آگهی تبلیغاتی پسته ایران که توسط مرحوم آگاه (مرشدزاده قدیم) در اروپا انتشار یافته است یاد کنم. ایشان در سال ۱۳۱۴ ش / ۱۹۳۵ م، در اوایل دوران هیتلر در سفر به آلمان و انگلستان مقدار زیادی بسته‌های زرورق شفاف محتوی هفت‌دانه پسته خندان با خود می‌برد و با الصاق آگهی تبلیغاتی درباره خواص کم‌نظیر پسته (با مضامین جالب و جذاب باب طبع اروپاییان) به زبان انگلیسی^۱، آنها را در کاباره‌ها و سوپرها و اماکن عمومی شلوغ توزیع می‌کند و به این روش پسته ایران را می‌شناساند و مشتریانی جلب می‌کند. اقدام دیگر، مقارن ایامی است که سه فضانورد امریکایی به سرپرستی نیل آرمسترانگ در سال ۱۹۶۹ به کره ماه می‌روند. سه بسته سفارشی به همراه نامه خیرمقدم‌گویی و یادآوری سه بسته از خوشمزه‌ترین ارمغان ایرانی به شما سه نفر سفر کرده ماه، یا به‌راستی ماهیان فضای بیکران، هدیه می‌شود؛ اقدامی که در معرفی پسته ایران به امریکاییان مؤثر بوده و تمجید و تشکر کتبی نیل آرمسترانگ و همراهان وی را در پی داشته است.^۲

۱. تصویر رنگی نخستین آگهی تبلیغاتی پسته ایران در کتاب پسته ایران، ص ۲۵۸ چاپ شده است.

۲. نیل آرمسترانگ در نامه کوتاهی از اقدام تمجیدآمیز مرحوم آگاه تشکر کرده که کپی آن نزد صاحب این قلم است.

1. **Pistachio** is one of the most nutritious food in the world.
2. **Pistachio** is a delicacy and when toasted and salted a little it will make the most delicious savoury.
3. After each meal it is a good dessert and a regular use of 10 to 12 each time will improve the sense of intelligence, and strengthen the brain activities.
4. Great men and Geniui often appear in the countries where there grows pistachoes such as Iran, Syria, Arabia & Italy.
5. **Pistachios** will increase the heat of the body, improve muscular system and propagation.
6. **Pistachio** kernels when taken will form blood and have little leavings.
7. **Pistachios** improve the taste of sweets and chocolates.
8. **Pistachios** in ice-creams will give them a pleasant greenish colour, also make it a nutriment.
9. **Pistachio** kernels when peeled are used in food such as Pollovs, in jams and in sweets such as Isfahan Gaz, Baghlava of Yedz and various other sweetmeats.
10. **In any army where they use more Pistachios, the individuals are stronger, more active, and that force will be victorious where each man carries with him in the trenches one Kilogram of Pistachio-kernels.**
11. Of all the nuts **Pistachios** contain the most oily substance.
12. The ladies who would consume **Pistachio** will have always a red and fresh complexion and keep the mouth always with a **fragrant** odor and also their teeth remain always sound.
13. The persons consuming **Pistachio** will upkeep their youth and protect their brilliant black hair from turning white. In sports and athletic games, those will win who consume **Pistachio**.
14. For any kind of **Pistachios**, especially the „**Queen Pistachios**“ the best and the absolutely first quality, refer to the firm of **Gholam Reza Morshed-Zadéh Yezdi of Rafsinjan, Iran.**
Telegraphic-address: „**Morshazada, Rafsinjan, Iran**“.
Terms: CIF Foreign Ports. Codes used Bentleys.

نخستین آگهی تبلیغاتی پسته ایران به زبان انگلیسی که در سال ۱۳۱۴ در اروپا توزیع شده^۱

۱. نقل از کتاب پسته ایران شناخت تاریخی (تألیف محمدحسن ابریشمی)، ص ۲۵۸، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳.

سخن در این باب کوتاه کنم، عرض مخلص دربارهٔ این بزرگان تجدید پیشنهاد چندین سال پیش است مبتنی بر آنکه توصیه می‌کند به‌منظور بزرگداشت این دو بزرگوار، تندیس یا سردیسی از آنان تهیه و در شهر پسته‌خیز رفسنجان و دانشکدهٔ کشاورزی کرج یا دانشگاه اراک بر پا شود.

سرآغاز کشت و کار در جهان

باری، به موضوع مورد بحث، یعنی تاریخ کشاورزی بازگردم و به مبدأ و سرآغاز کشت و کار در جهان بپردازم و از پژوهش‌های خود در این باب سخن بگویم. در این زمینه پرسش‌های زیادی وجود دارد که اصولاً کشاورزی یا کشت دانه توسط انسان از کی؟ یا چه زمانی؟ و در کجا آغاز شده است؟ و نخستین برزگران جهان در کدام بخش از کرهٔ خاکی می‌زیسته‌اند؟ اما پاسخی مستند و قطعی برای این پرسش‌ها وجود ندارد، اما پاره‌ای از شواهد و مستندات حکایت از آن دارد که کشت و کار در جایی که بعدها «ایران» نام گرفته آغاز شده است و بومیان اولیهٔ این سرزمین نخستین کشاورزان جهان بوده‌اند. بعضی از دانشمندان نیز به همین نتیجه رسیده‌اند که ایران مبدأ و مهد اولیهٔ کشت و کار در جهان بوده است. اما برخی هم بر این گمان‌اند که بین‌النهرین (میان رودان، عراق کنونی) باید منشأ اولیهٔ آن باشد. از جملهٔ شواهد و مستندات می‌تواند کشفیات باستان‌شناسی در گسترهٔ پهناور سرزمین ایران باشد که ارنست هرتسفلد (۱۸۷۹-۱۹۴۸ م) به آن پرداخته است. بررسی‌های آثار باستانی پیش از تاریخ در محدودهٔ فلات ایران نشان می‌دهد که پیش از مهاجرت آریایی‌ها، در حدود ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد، مردمانی در این سرزمین زندگی می‌کرده‌اند؛ می‌توان استنباط کرد که این بومیان به گروه نژادی وسیع و ثابتی تعلق داشته‌اند. به نوشتهٔ هرتسفلد، وجه تسمیهٔ «ایران» یا



اسم فارسی میانه (پهلوی) آن «ایران شهر»، معادل «سرزمین آریاها» است. بومیان فلات ایران تفوقی را که بر اقوام ساکن در دشت‌های آبرفتی کم‌ارتفاع اطراف در پایان دوره نوسنگی به دست آورده بودند شاید در کمتر از یک هزار سال بعد یعنی زمانی که تاریخ سومر در بین‌النهرین شروع شد از دست دادند. بخشی از فلات ایران، یعنی ایلام، از همان آغاز در این پیشرفت سرنوشت‌ساز دخالت و شرکت داشته است.^۱

طبیعی به نظر می‌رسد که بومیان کشاورز پیش از تاریخ در فلات ایران، برای عملیات کشت و کار (شخم، گولش بذرافشانی و کاشت، هموار کردن شیار، و درو) ابزارهایی ابتدایی با نام خاصی داشته‌اند؛ در این صورت اسامی این ابزارها باید قدیم‌تر از نام‌ها یا لغات مصطلح در بین‌النهرین و دیگر همسایگان آنها باشد. این هیچ‌مدان (محمد حسن ابریشمی) درباره واژگان فارسی «کشت و کار» تحقیق کرده و به این نتیجه رسیده است که ریشه و اصل این واژگان دلالت بر سرآغاز کار کشاورزی از سرزمین ایران دارد. حاصل این پژوهش در حجم یک کتاب حدوداً سیصد صفحه‌ای است در اینجا تلخیص مبحثی از آن، طی گفتاری کوتاه ارائه می‌شود: واژه فارسی «کار» پیشینه‌ای فراتر از تاریخ مدون دارد. این واژه در متون اوستایی در وجه Kara، و در منابع پهلوی در وجه Kar آمده است. به‌راستی واژه فارسی «کار» در لفظ نشان از حرکات «برزگر» در عملیات کشاورزی دارد. از سوی دیگر تداعی‌کننده حرکات ورزش زورخانه‌ای (با تخته شنو، میل، کباده، حرکات پا و ...) است؛ از طرف دیگر واژه «کار» در ترکیب اتباعی: گندم‌کار، شالی‌کار، شتوی‌کار، صیفی‌کار، پنبه‌کار، زعفران‌کار، سبزی‌کار و پسته‌کار معنی فاعلی «کارنده» دارد. بنابراین، با توجه به پیشینه بسیار دور و دراز آن باید بومیان اولیه سرزمین ایران آغازگر «کار کشاورزی» در «کشتزار» باشند، یا به پندار آنان «کار»

۱. ارنست هرتسفلد، ایران در شرق باستان، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۵ و ۱۸۶.

عبارت از «کشاورزی» بوده است. زیرا واژه «کار» برگرفته از مصدر «کاشتن» است و سوم شخص مفرد آن به حساب می‌آید. در حالی که مصادر «عمل» و «فعل» در عربی به معنی «کار» ریشه در «زراعت» و «فلاحت» و «حراثت» به معنی «کشاورزی» ندارند. همچنین در ماهیت و مفهوم مصداری در زبان‌های هند و اروپایی، از جمله در مصادر آلمانی و فرانسه و انگلیسی یا زبان‌های ملل دیگر چنین مصداقی آشکار و دلپذیر از نسبت «کار» با «کاشتن» و «کشاورزی» سراغ نداریم. از باب نمونه مصادر «کار / work» با «کشاورزی / asriculture» در انگلیسی در اصل و ریشه نسبتی با هم ندارند.





زان سو، در فرهنگ‌های فارسی برای واژه «کار» معانی پیشه و شغل و کشاورزی و نیز کارزار و پیکار ثبت شده، مثلاً در برهان قاطع (تألیف ۱۰۶۲) می‌خوانیم «کار. به معنی صفت و هنر و پیشه باشد، و به معنی کشت و زراعت هم آمده است، و امر به زراعت هم هست یعنی بکار و زراعت کن، و جنگ و جدال را نیز گویند^۱». واژه «کارزار» در متون کهن فارسی و سروده‌های شاعران قدیم به معنی جنگ و پیکار به فراوانی آمده است. لغت «کارزار، پهلوی آن: kärejār و kārīcār و kārīzār» قابل قیاس با kara (سپاه) در پارسی باستان است^۲. اما واژه فارسی «کارزار» لفظاً مرکب از «کار» به معنی «کشت» و «زار» (پسوند مکان) بوده و در مجموع معنی «کشتزار» از آن قابل افاده است. بر این اساس می‌توان گمان برد که واژه «کارزار» در مراحل آغازین «کشت و کار» در بین اقوام ایرانی با معنی اصلی و لفظی آن مصطلح بوده، اما پس از ستیزهای فردی و جمعی (طایفه‌ای) اولیه بر سر «زمین و منابع آب کشتزارها» معنی آن به جنگ تغییر یافته و معنی و مفهوم اصلی و نخستین آن در ماهیت لفظی «کارزار» و وجوه گویشی آن «کالزار» و «کالجار» برجا است. از طرفی دیگر، همان گمان و استدلال مزبور، درباره کلمه مرکب «کارزار» در مورد واژه فارسی «پیکار» نیز صدق می‌کند. واژه اوستایی: paitikāra، پهلوی و پازند: patkār، ارمنی: paykar، به معنی نبرد، که در منابع پهلوی و متون فارسی آمده با کشاورزی نسبت داشته است؛ «پیکار» که از نظر ترکیب شباهتی به اصطلاحات کشاورزی «پی‌درو» و «پی خرمی» و «پی چینی» رایج در بین کشاورزان و باغبانان خراسانی و برخی مناطق

۱. برهان قاطع، ص ۱۵۵۸، ذیل «کار»

۲. برهان قاطع، ص ۱۵۶۰، توضیح دکتر محمد معین در حاشیه «کارزار».



دارد، در بادی امر نسبت مستقیمی با «کشت و کار» داشته است. چون «پیکار» لفظاً مرکب از واژگان «پی» به معنی پس یا دنبال و «کار» به معنی «کشت» و در مجموع بیانگر خاتمه کار یا به عبارتی پایان عملیات کشاورزی (کاشت، داشت، برداشت) یعنی تقسیم سهم محصول برداشت شده بوده است. اما در حین تقسیم، بر سر میزان سهم، مشاجرات لفظی به منازعات فردی و گروهی انجامیده و کار بالا گرفته و جدال به جنگ کشیده شده است. بنابراین ریشه و اصل واژگان «کارزار» و «پیکار» منشأ از جنگ‌های نخستین بر سر آب و زمین و تقسیم محصول کشاورزی دارد.

نکات تحقیقی گفتنی دیگری نیز در تأیید پیشینه بسیار طولانی کشاورزی در سرزمین ایران وجود دارد، از آن جمله منشأ و ریشه و اصل واژگان فارسی «کوز» و «کیز» و «ورزش» و «ورزیدن» است. مرحوم دهخدا واژه فارسی «کوز (به فتح اول) را پُشته»، و کوزبندی را مرزبندی یا پشته‌بندی معنی کرده است (لغت‌نامه). مؤلف تاریخ قم (تألیف قرن چهارم) در توضیح لغت عربی «سواقی» به معنی «جویه یا شیار باریک» نوشته است: آن را به زبان قمی کوز گویند^۱. واژه فارسی مزبور هم اکنون در بسیاری از نواحی ایران با گویش «کوز» و «کیز» به همان معنی تداول دارد. در برخی از نواحی «کوز» به معنی گودال حفر شده برای کاشت نهال و در بعضی مناطق به معنی گودالی است که در داخل آغل برای بره یا بزغاله نوزاد ایجاد می‌کنند.

زان سو، زمخشری (وفات ۵۳۸) در مقدمه الادب لغت عربی «سَنَه» را «آهن شیار، ایمر» و لغت «مِکُوف» را «شیار، آماج» معنی کرده است^۲؛ حبیش تفلیسی در قانون ادب (تألیف ۵۴۵) معادل‌های فارسی مشابهی

۱. تاریخ قم، ص ۱۰۷؛ لغت‌نامه ذیل «کوز»

۲. زمخشری، مقدمه الادب، ج ۱، ص ۱۰۰.



آورده است «سَکَه: گاواهن» و «سَنَه: گاواهن، سرقلم»^۱. واژه فارسی «کارد» که در متون اوستایی در وجه «kareta»، و در منابع پهلوی «kareta»، و در منابع پهلوی «kārt» ثبت شده است دلالت بر پیشینه طولانی تداول آن دارد. از طرفی دیگر ابزارهای «کارد» و «تیغه گاواهن» که هر دو آلت ایجاد شیار، شکاف و بُرنده‌اند در بادی امر، در زمان‌های پیش از تاریخ وسیله واحدی بوده است که بعدها یکی کاربرد جنگی، جراحی و خانگی پیدا کرده و آن دیگری یعنی «تیغه آهنین خیش» یا «تیغه گاواهن» در شخم و شیار، یا کَرت و کُوز کشاورزی به کار رفته است. واژه باستانی و پیش از تاریخ «کارد» به‌عنوان وسیله شخم اولیه که زمین را می‌شکافته با واژگان و مصادر «کَرت» و «کار» و «کاشتن» و «کردن» از یک ریشه و اصل بوده است. اصطلاح «آب‌کار» لفظاً به معنی آب «کشت» و «کشتزار» است. اما همان‌سان که «برزگر» تخم یا «برز» را در «شیار شکم زمین» می‌کارد — یا در واقع با کاشت برز، دل خاک را در بهاران آبستن و بارور می‌کند — نطفه نیز به وسیله آلت کارنده نَر در شیار (یا به اصطلاح کشاورزی «کُوز») رحم مادینه کاشته می‌شود. به همین لحاظ «آب‌کار» به معنی «آب کشت» و نیز «آب منی» و «نطفه» مصطلح بوده است، چنانکه اوحدی مراغه‌ای در این بیت به کار برده است «آب کارت مبر که گردی پیر / کار این آب را تو سهل مگیر». در برخی از گویش‌های ایرانی از جمله کردی به آلت مادینه «کُوز» گفته می‌شود، زان سو می‌توان گمان برد که نام‌های «کارد» و «کرت» کشاورزی و «آلت کارنده نرینه» نسبت و رابطه مستقیمی با «کشت و کار» و مصادر «کاشتن» و «کاریدن» در ادوار باستان و حتی پیش از تاریخ داشته است. قصد داشتم در باب مصدر «ورزیدن» و «ورزش» و اصل و ریشه حرکات بدنی در «ورزش باستانی: زورخانه‌ای» و ارتباط آن با عملیات

۱. ابوالفضل حبیبش تغلیسی، قانون ادب، ج ۳، ص ۱۲۷۰، ۱۶۰۵.



کشت و کار نیز مطالبی بیان کنم، اما گفتار به درازا می‌کشد؛ بنابراین به مأخذ اصلی مطالبی که عرض شد ارجاع می‌دهم و آن مقاله طولانی با عنوان: «پیشینهٔ واژگان ایرانی کشت و کار» تألیف این حقیر است که در سال ۱۳۹۷ چاپ و منتشر شده است.^۱

محدوده یا بستر جغرافیایی تاریخ کشاورزی ایران

محدوده یا گسترهٔ پهناور فرهنگ و مدنیت ایرانی بخش‌های عظیمی از جهان باستان را به خود اختصاص می‌دهد، و بعداً نیز بخش‌های پهناوری از سرزمین‌های جهان اسلام را در بر می‌گیرد. بنابراین، سرزمین ایران به مفهوم جغرافیایی و فرهنگی آن در ادوار گذشته بسیار پهناور بوده که در عصر قاجاریه بخش‌های عمدهٔ آن تجزیه و در مرزهای سیاسی کنونی محدود شده است. بر این اساس پژوهش پیرامون رستنی‌ها و مزروعات بومی این سرزمین و چگونگی پیدایی کشاورزی باید در همان بستر جغرافیایی و فرهنگی و تمدنی قدیم آن انجام شود و در حیطهٔ مطالعات تاریخ کشاورزی ایران قرار گیرد. بومیان پیش از تاریخ در این سرزمین، و نیز کشاورزان ایرانی از اعصار بسیار دور تاریخ تا ظهور اسلام و حتی بعد از آن توفیق آن را داشته‌اند که گونه‌های زیادی از رستنی‌های خودرو و وحشی سرزمین خود را کشت و اهلی نموده و پرورش دهند؛ رستنی‌ها و مزروعاتی که برخی همراه با نام‌های ایرانی آنها بدو به اقوام و ملل باستانی، و بعداً به همراه گونه‌های دیگر به مسلمانان معرفی گردید. مسلمانان نیز نسبت به معرفی رستنی‌های ایرانی به همراه اسامی معرب آنها به دیگر اقوام و ملت‌های غیرمسلمان سهم عمده‌ای داشته‌اند.

۱. تاریخ نگار «حقیقی» مجموعهٔ مقالات ایرانشناسی یادنامهٔ مرحوم دکتر محسن جعفری مذهب حقیقی، تهران، کتابخانهٔ ملی جمهوری اسلامی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۶۹-۱۴۴.



منابع پژوهش در باب تاریخ کشاورزی ایران

آگاهی‌ها و دانش‌ها و دانسته‌ها در باب پیشینه کشت و کار، و معلومات در باب تاریخ کشاورزی ایران و مقولات مربوط و منسوب به آن بسیار پراکنده، و در ضمن متنوع و خیلی مختصر است، به طوری که تقسیم‌بندی آنها از نظر ادوار تاریخی خالی از اشکال نیست. مخصوصاً معلومات و اطلاعات مربوط به ادوار باستان بسیاری از میان رفته است، اما آنچه بر جای مانده عبارت از نوشته‌های باستانی، آثار و کشفیات باستان‌شناسی، بقایای سدها و شبکه‌های آبیاری، در گستره محدوده ایران ادوار باستان (به مفهوم جغرافیایی بسی پهن‌تر قدیم آن) قابل اهمیت و توجه است. برخی از معدود آثار مکتوب بر جای مانده یونانی و ایرانی در بردارنده مطالب و نکاتی در باب مباحثی از تاریخ طبیعی و کشاورزی است. در آثار مورخان و نویسندگان یونانی ادوار باستان از جمله: هرودوت، کترباس، گزنفون، دینون، دیودورسیلی، استرابو، پلین (پلینی) و پلوتارک مطالبی پراکنده و گاه در خور توجه در باب مباحثی از تاریخ طبیعی و کشاورزی آمده است. اما نوشته‌های ایرانی ادوار باستان تقریباً همگی در حمله اسکندر^۱ و جنگ‌های طولانی ایران و روم، و در پی آن اعراب^۲، و سپس اقوام و قبایل ترکستانی تبار، به‌ویژه مغولان، از میان رفته است. با این همه پاره‌ای از کتیبه‌های اغلب صدمه‌دیده ادوار باستان و لوحه‌های گلین و سفالین نوشته‌های هخامنشیان محفوظ مانده که

۱. حمزه اصفهانی، تاریخ سنی الملوک الارض: تاریخ پیامبران و شاهان، ترجمه دکتر جعفر شعار، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۷، ص ۴۰-۴۳؛ ابن خلدون، العبر / تاریخ ابن خلدون، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۱۰۱۰، نوشته است: اسکندر «بر کتب و علوم بی‌شمار و بی‌حد ایرانیان دست یافت». و در پی آن افزوده است: «چون کشور ایران به دست اعراب فتح شد و کتب بسیاری در آن سرزمین یافتند... و»

۲. ابن خلدون، العبر، ج ۱، ص ۷۰، با تأسف نوشته است: «دانش‌هایی که در دسترس ما قرار نگرفته بیش از مقداری است که به ما رسیده است. کو آن همه دانش ایرانیان که عمر هنگام گشودن ایران به نابودکردن آنها فرمان داد».



در بردارنده نکات بااهمیتی در باب رستنی‌ها و مزروعات است. افزون بر اینها، متون اوستایی و پهلوی و دیگر متون کهن ایرانی یا ترجمه آنها به عربی و فارسی مانند خداینامک، پندنامه اردشیر بابکان، گفتگوی خسرو کواتان و ریتک او، نامه تنسر، کیله و دمنه، درخت آسوریک، ویس و رامین و شاهنامه و جز آن در بردارنده مطالبی پراکنده و گاه با اهمیت در باب مقولات مورد بحث است.

در قرون مقدم هجری، ایرانیان در احیای علوم و گسترش فرهنگ بشری و اشاعه اسلام و زبان عربی نقش بارزی داشته‌اند. جلوه‌های فرهنگی و مدنی ایران پیش از حمله مغولان، در سال ۶۱۷ هجری، بسیار انبوه و قابل توجه بوده است. هزاران دانشمند در بلاد مختلف سرزمین ایران نشو و نما یافته و صاحب آثار و تألیفات بی‌شماری بوده‌اند. با تأسف و دریغ بسیار، آن آثار در حمله مغولان با کشتار میلیونی ایرانیان از میان رفته و تنها معدودی از تألیفات بر جای مانده است که در تألیفات تاریخ ایران و نیز جهان و دنیای اسلام مورد توجه برخی از نویسندگان قرار گرفته است.

با این همه نویسندگان و ایران‌شناسان طی دو قرن گذشته در باب تاریخ کشاورزی ایران به نسبت سایر مقولات تاریخ ایران کمتر مطلبی نوشته‌اند. به همین دلیل ناشناخته‌ها در باب تاریخ کشاورزی ایران زیاد و گفتنی‌ها فراوان است. علت نپرداختن به این مباحث، در درجه نخست پراکندگی و نیز مختصربودن اطلاعات در لابه‌لای سطور هزاران کتاب و رساله کهن عربی و فارسی و غیر آن از دیرباز تا پایان عصر قاجار (اول قرن حاضر ۱۳۰۰ ش / ۱۹۲۱ م) است؛ و در درجه دوم عدم دسترسی به منابع خطی عربی و فارسی دوران‌های گذشته و نیز چاپ‌های محدود و معدودی از آنها در عصر قاجاریه در ایران و هند و عثمانی و غیر آن که اکثراً پر از غلط‌اند از یک طرف، و از سوی دیگر دشواری فهم متون قرون گذشته، و سخت و دشوارتر از



آن پیدا کردن اسامی رستنی‌ها و مزروعات، و نیز یافتن موضوعات و مباحث مربوط به امور فلاح و تاریخ کشاورزی در این گونه منابع بوده است^۱.

حتی معدودی از پژوهشگران ایرانی و خارجی در زمینه تاریخ یا فرهنگ و تمدن که از بعضی مطالب متون کهن بهره گرفته یا به تصحیح و انتشار این گونه متون پرداخته‌اند در نقل صحیح اسامی رستنی‌ها و پدیده‌های نباتی و نیز برخی اصطلاحات مربوط به امور فلاح و درک درست مفاهیم آنها دچار اشتباهاتی گاه فاحش شده‌اند. که این خود ناشی از عدم آشنایی بیشتر از نویسندگان و مورخان با امور کشاورزی و نیز عدم شناخت درست از مزروعات و رستنی‌ها و پدیده‌های نباتی یا مربوط و منسوب به آنهاست، که برعکس آن نیز صدق می‌کند؛ زیرا اکثر کارشناسان و صاحب‌نظران رشته‌های مختلف امور زراعت و باغبانی، آب و آبیاری، و نیز گیاه‌شناسان کمتر با مباحث تاریخی، جغرافیایی، جغرافیای تاریخی، و فرهنگ و ادبیات آشنا هستند.

پژوهش‌های انجام‌شده در باب تاریخ ایران

پژوهش‌ها و تحقیقات علمی و عملی نویسندگان و تحلیل‌گران غربی در باب تاریخ ایران از دو قرن پیش، در دوران سلطنت فتح‌علی‌شاه قاجار (۱۲۵۰-۱۲۱۲ ق / ۱۳۷۶-۱۲۱۳ ش / ۱۸۳۴-۱۷۹۷ م) آغاز شده است. در تجزیه و تحلیل‌های تاریخی غربیان، گاهی مقولات مختصری در باب تاریخ کشاورزی ایران مطرح می‌شود. بی‌تردید اتفاقی نباید باشد که آغاز پژوهش‌های غربیان در باب تاریخ ایران با تجزیه سرزمین ایران مقارن شده است. به‌خصوص وقتی می‌بینیم مؤلف اولین عنوان «تاریخ ایران»، به انگلیسی، سرجان ملکم (۱۸۳۳-۱۷۶۹ م)

۱. رستنی‌ها و پدیده‌های نباتی در تاریخ طبری، پژوهشی از محمدحسن ابریشمی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، پیشگفتار مؤلف، ص ۱، ۲ به اختصار.



بوده که در سال ۱۸۱۵ در لندن انتشار یافته است. وی، خوی و خصلت‌های فتحعلی‌شاه و خیل شاهزادگان و حکام قاجار را به‌خوبی می‌دانسته و از طرف دیگر وظیفه گسترش هر چه بیشتر قلمروها و توسعه نفوذ انگلستان را داشته است.

سرجان ملکم ذیل عنوان «در بیان آب‌وهوای ایران»، شرحی درباره شرایط آب و هوایی مناطق مختلف نوشته و به علل عدم پیشرفت ایرانیان در صنایع و فنون پرداخته است. وی در اشاره به خوی و خصلت‌های ایرانیان نوشته است: «علل عقب‌ماندگی ایران به سبب وضع و طبیعت حکومت ایشان است. مردمی که در تحت حکومت بالغلبه [غلبه به زور: دیکتاتوری] و بی‌تربیت زندگی می‌کنند رفاهشان فقط در این است که با وقت و حال خود زندگی کنند ... کمتر کسی از مصالح خود بیشتر نگاه می‌کند ... هیچ کس به خیال فایده عموم ملت کاری نکرده و نمی‌کند ...^۱». ملکم اشاره‌ای نیز به محصولات کشاورزی برخی از نواحی و صادرات و واردات ایران دارد: «اگر این مُلک در تحت حکومتی قایم [استوار] و به عدل و انصاف باشد تا چه پایه آبادی و معموری آن ترقی خواهد کرد.^۲»؛ «تجارتش تقریباً همان قسم که در قدیم‌الایام بوده است هست: ابریشم گیلان و پشم کرمان، و پنبه و مازو از عراق [عجم، اراک و استان مرکزی کنونی و ...]، و انغوزه از خراسان به بلاد دیگر برند، و قیمت حاصله از اینها را به شال کشمیر و نیل و قماش هندوستان و شکر بطاویه [مغرب: با تاویا = جاکارتا پایتخت اندونزی] و چین و پشمینه انگلند می‌دهند ... بقولات [مترادف حبوبات، چون: نخود، لوبیا، ماش و عدس به اصطلاح «بنشن»] و فواکه در ایران به اقسام نیکو می‌شود ...^۳».

۱. سرجان ملکم، تاریخ ایران، ترجمه میرزا حیرت، کتابت علی‌رضا ملقب به ضیاءالادباء (ذیقعه ۱۳۲۳)، افست شده در تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۷۰.

۲. همو، همان کتاب، ص ۲۶۲، ۲۶۳ به اختصار.

۳. همو، همان کتاب، ص ۲۷۱ به اختصار.



تاریخ کشاورزی ایران و خارجیان

نویسندگان و تاریخ‌نگاران و تحلیل‌گران خارجی تألیف مستقلی از تاریخ کشاورزی ایران ندارند. علت نپرداختن آنان به این مبحث از تاریخ ایران، همان‌گونه که اشاره شد، به لحاظ پراکندگی و مختصربودن مطالب در لابه‌لای منابع و متون کهن بی‌شمار است. اما مهم‌ترین مشکل آنان سیاسی بوده است زیرا آنان وقتی بخواهند تاریخ کشاورزی ایران قبل از اسلام را بنویسند ناگزیر باید محدوده جغرافیایی فرهنگ و مدنیت ایران در دوران مادها، هخامنشیان، پارت‌ها و ساسانیان را مشخص کنند، و به همین ترتیب باید محدوده جغرافیایی ایران ادوار بعد از اسلام تا آغاز کار قاجار را معرفی و نقشه‌های آن را ارائه کنند. در این صورت وجوه مشترک فرهنگی و مبانی وحدت دینی و زبانی و سنت‌ها و نیز اعیادی چون نوروز و فطر و قربان اهای یا درواقع ایرانیان مستقر در این سو و آن سوی مرزهای سیاسی کنونی آشکار می‌شد و این برخلاف سیاست‌ها و اهداف قدرت‌های آن دوران بوده و همواره استمرار پیدا کرده و به روزگار ما رسیده است. هم‌اکنون نیز شاهدیم که قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها در از میان بردن عوامل اتحاد ملت‌ها به خصوص مسلمانان وحدت نظر و عمل دارند. دسیسه‌ها و اقدامات گذشته آنان در تجزیه بخش‌های عظیم و حاصلخیز ایران عصر قاجار را در منابع تاریخی می‌خوانیم و نتیجه اقدامات همه‌جانبه تجزیه‌طلبانه و مستمر آنان را هم‌اکنون در برخی از سرزمین‌های مسلمان در کشورهای آفریقایی و آسیایی شاهدیم و می‌بینیم که چگونه به اختلافات بین آنان دامن زده و جنگ‌ها را راه انداخته‌اند.

باری، با این همه ایران‌شناسان و نویسندگان خارجی در نیمه اول قرن اخیر پاره‌ای از برخی مباحث و مقولات تاریخ کشاورزی ایران را مورد تحقیق و تألیف قرار داده و آثاری منتشر کرده‌اند. سه عنوان مهم از این

مقولات از سوی نویسندگان اتباع روس و انگلیس تدوین و با مشخصاتی به این شرح زیر به فارسی ترجمه و منتشر شده‌اند:

۱. آبیاری در ترکستان، تألیف و.و. بارتولد، ترجمه کریم کشاورز (دانشگاه تهران، ۱۳۵۰) در ۳۱۴ صفحه.
 ۲. کشاورزی و مناسبت ارضی در ایران عهد مغول، تألیف ایلیا پائولوویچ پطروشفسکی، ترجمه کریم کشاورز (تهران، انتشارات نیل، ۱۳۵۵)، در ۹۸۸ صفحه.
 ۳. مالک و زارع در ایران، تألیف خانم دکتر ا.ک.س. لمبتون (استاد ادبیات فارسی در دانشگاه لندن)، ترجمه دکتر منوچهر امیری (تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۵)، در ۸۳۶ صفحه.
- اینجانب بدون اینکه بخواهم نقد و تحلیلی از آثار فوق ارائه دهم، یا ارزش واقعی تحقیقات نویسندگان مزبور را نادیده بگیرم، یا حتی منکر آن باشم، به عنوان یک خواننده بر تلاش مؤلفان آثار مزبور ارج می‌گذارم. اما یادآوری و شرح برخی اغراض سیاسی و پاره‌ای ملاحظات کلی، در تألیفات آنان لازم و مفید می‌نماید: نخست، با اینکه تقریباً همه منابع اصلی مورد استناد آنان را نوشته‌های اسلامی و عمدتاً ایرانی (به عربی، فارسی و گاه ترکی) تشکیل می‌دهد آنها به تعاریف نویسندگان مسلمان از محدوده جغرافیایی و فرهنگی سرزمین‌های ایرانی و ترکستانی واقعی ننهاده‌اند و کوشش ضمنی در جهت توجیه مرزهای سیاسی حالیه دارند. به همین دلیل نقشه جغرافیایی محدوده مورد پژوهشی خود در ادوار تاریخی مربوط را ارائه نداده‌اند. دوم، آنان در پاره‌ای از موارد درک و استنباط نادرست خود را از مطالب مندرج در متون کهن ایرانی و مآخذ اسلامی به حساب نویسندگان آن آثار گذاشته‌اند و گاه نسبت‌های ناروا و اشتباهاتی را از قول آنان مطرح کرده‌اند. برای هر یک از این موارد نمونه‌هایی مستدل در مقاله‌ای آورده‌ام که در سال ۱۳۶۹ منتشر شده، و



مجدداً در سال ۱۳۹۸ با افزوده‌های زیادی انتشار یافته است.^۱

منابع و متون کهن کشاورزی و امور وابسته بعد از اسلام

مستندات موجود دلالت بر آن دارد که دانش‌ها و معلومات بسیار مهم در زمینه امور مختلف کشاورزی و باغبانی سنتی ایرانی در عصر ساسانیان وجود داشته که از میان رفته است. با این همه مطالب و مضامین عملی آنها در اذهان نسل به نسل دهان به دهان گشته و در قرون مقدم هجری توسط دانشمندان و نویسندگان ایرانی به عربی ترجمه و تألیف شده است. ابن ندیم در الفهرست عناوین برخی از آنها را ثبت کرده است که شمار آنها از پنجاه تجاوز می‌کند. از باب نمونه دو کتاب از آثار محمد بن اسحاق اهوازی با عناوین: النحل و اجناسه و عروسه، و الفلاحة و العمارة ثبت کرده^۲، و کتابی با عنوان الاشجار و النبات از تألیفات ابوالقاسم بُشتی برشمرده (بُشت از نواحی نیشابور یا ابرشهر عصر ساسانیان و بعد از اسلام بوده است^۳). در نمونه‌ای دیگر که ابن ندیم فهرستی از عناوین تألیفات دانشمند دیگر ایرانی اهل سیستان به نام ابوحاتم سجستانی

۱. نمونه‌هایی از درک نادرست و اشتباهات سه نویسنده مورد بحث در خطابه صاحب این قلم با عنوان «ایرنشناسان خارجی و نخستین گام‌ها در باب تاریخ کشاورزی ایران» در همایش «انجمن‌واره مسائل ایرانشناسی» برگزار شده در وزارت امور خارجه در سال ۱۳۶۹ آمده است. سخنرانی‌ها تحت عنوان «مجموعه مقالات انجمن‌واره بررسی مسائل ایرانشناسی» به کوشش دکتر علی گرمارودی، در همان سال چاپ و منتشر شده است. سی سال بعد با افزوده‌هایی با عنوان «سخنی چند در باب تاریخ کشاورزی ایران» در ضمیمه‌های فرهنگی شماره‌های ۴۳۵-۴۴۲ چهارشنبه‌ها در روزنامه اطلاعات از ۳۰ بهمن ۱۳۹۸ شماره ۲۷۵۰۴ به بعد تا شماره ۲۷۵۵۲ چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۹ به چاپ رسیده است. درک نادرست و اشتباهات نویسندگان نامدار مورد بحث، ذیل این عناوین به تفصیل مورد نقل و نقد و بررسی قرار گرفته است: «۱. آبیاری در ترکستان» و «۲. کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول» و «۳. مالک و زارع در ایران».

۲. الفهرست، محمد بن اسحاق الندیم، ترجمه ۲. رضا تجدد، تهران، چاپخانه بانک بازرگانی، ۱۳۴۶، ص ۲۵۴.

۳. الفهرست، ص ۲۲۹.



(وفات ۲۵۵) ثبت کرده از آن جمله است: کتاب الشجر و النبات و کتاب الزرع و کتاب النحل و العسل و کتاب الکرّم و کتاب العشب و البقل. برخی از آثار او اگرچه نسبت مستقیم با کشت و کار ندارند، اما بی‌رابطه نسبت به آن هم نیستند مانند کتاب الخصب و القحط (فراخ سالی و خشک‌سالی)، کتاب الشتاء و الصيف (زمستان و تابستان)، کتاب الحر و البرد و الشمس و القمر و الليل و النهار (گرما و سرما و خورشید و ماه و شب و روز)، کتاب اللباء و اللبن و الحليب (آغوز و شیر و شیر دوشیده)، کتاب الحشرات و کتاب الوحوش^۱. غرض از نقل آثار این سه دانشمند قرن دوم و سوم هجری اهل اهواز و خراسان و سیستان قدیم، آنکه مجدد یادآوری کند که بیشتر مطالب و مضامین نویسندگان مزبور و البته دیگر مؤلفان و دانشمندان ایرانی قرون مقدم هجری مبتنی بر تجارب و آموخته‌های پدران آنان در عصر ساسانیان بوده که به آنان رسیده است. آنها همت کرده و دانش‌ها و تجارب پیشینیان را به همراه آموخته‌های مطالعاتی خود به زبان علمی غالب (عربی) نوشته‌اند. اما از آثار نویسندگان ایرانی ادوار گذشته در باب کشاورزی به زبان فارسی آنچه به ما رسیده مشتمل بر یک ترجمه و چهار تألیف است با این عناوین و مشخصات:

۱. ورزنامه. کهن‌ترین متن فارسی در امور کشاورزی (از سده ۴ یا ۵ هجری) اثر فسیطوس سکوراسیکه، مترجم ناشناخته آن اهل خراسان بزرگ بوده است.

۲. آثار و احیاء. نوشته خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، دانشمند ایرانی در اواخر قرن هفتم.

۳. ارشاد الزراعة، تألیف قاسم بن یوسف ابونصر هروی (جدش شیخ ابونصر طبسی اهل ایراوه طبس، و اجداد او اهل بایگ به ولایت زاوه و محولات) معروف‌ترین متن کشاورزی سنتی ایران، در سال ۹۲۱ هجری.

۱. الفهرست، ص ۱۰۰.



۴. معرفت فلاح، نوشته ملاعبدالعلی بیرجندی (دانشمند ریاضی‌دان و منجم عصر صفویه، وفات ۹۳۴)، احتمالاً در سال ۹۲۹ نوشته شده است. مؤلف از ورزنامه و ارشاد الزراعة بهره گرفته است.^۱

در منابع و متون کهن ایرانی در رشته‌های مختلف تاریخ، جغرافیا، علوم، ادبیات، عرفان و سفرنامه‌ها، گاهی با تمجید از خصلت‌ها و مخصوصاً از توجه خاص آنان به امور زراعت و باغداری و دامداری سخن به میان می‌آید. همچنین به حرمتی که ایرانیان برای کاشت درختان سایه‌دار در کرانه‌های بیابانی قائل‌اند و نیز علاقه آنان به ایجاد باغ و آب و آبیاری و احداث کاریز و سد و کانال آبرسانی به کشتزارها و بوستان‌ها اشاره می‌شود. در برخی از منابع و متون کهن از توفیق ایرانیان در اهلی کردن و پرورش برخی از درختان میوه و رستنی‌ها و نیز تربیت اسب و شتر و خر و گاو و گوسفند و طیور، و کشف کرم ابریشم و پرورش آن و صنعت نوغان‌داری، و نیز چگونگی دستیابی به زنبور عسل و انگبین، همچنین استحصال گز انگبین و ترانگبین و کتیرا و سقز و انزروت و انغوزه و انواع صمغ‌ها و عصاره‌ها و عرقیات گوناگون گیاهی و انواع عطرها و بخورها سخن رفته است. از دیگر منابع برای پژوهش پیرامون مباحث تاریخ کشاورزی ایران سفرنامه‌های خارجی‌ان است که برخی از آنها مطالب بسیار جالب و سومندی در باب کشاورزی، آب و آبیاری و شرایط آب و هوایی و اوضاع طبیعی و جغرافیایی و غیر آن دارد. با این همه شناخت همه جانبه ایران توسط سیاحان خارجی غالباً در جهت اهداف استعماری دولت‌های متبوعشان انجام گرفته یا برای دستیابی به منافع درازمدت توسط قدرت‌های خارجی استفاده شده است. از حدود قرن هفتم هجری تا عصر حاضر مسیونرهای مسیحی و سیاحان و مأموران غربی آمد و شده‌ایشان به ایران و نیز سایر نواحی آسیا از طریق ایران اوج می‌گیرد و تا عصر حاضر ادامه پیدا کرده

۱. معرفت فلاح، عبدالعلی بیرجندی، به کوشش ایرج افشار، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۶، گزارش مرحوم ایرج افشار، صفحه ۲۱ و ۲۲.

است. قدرت‌های استعمارگر با استفاده از گزارش‌های آنان به چگونگی نفوذ به دستگاه حکومتی ایران و دیگر کشورهای اسلامی پی برده و توانستند اختلاف قومی و مذهبی و زبانی و فرهنگی آنان را برانگیزند. بدین ترتیب موفق شدند آتش جنگ در بین ملل مسلمانان برافروخته و سرزمین‌های آنان را تجزیه کنند.





مخصوصاً در دو قرن گذشته تا حدود عصر حاضر دسیسه‌ها و دامن‌زدن به اختلافات بین مسلمانان توسط قدرت‌های شرق و غرب بالا گرفته است. زبان عربی را تضعیف کردند و با حذف زبان فارسی در شبه قاره هند و سرزمین‌های مسلمانان تحت استیلای روس‌ها، و نیز تغییر الفبا و خط عربی در بسیاری از سرزمین‌های اسلامی، زبان‌های انگلیسی و روسی و فرانسه و همچنین الفبای لاتین و روسی را اشاعه دادند. پس از تسلط همه‌جانبه انگلیس بر شبه قاره هند، تجزیه قلمروهای قاجار و سپس عثمانی آغاز شد و ده‌ها کشور به وجود آمد. به نظر می‌رسد از حدود نیم قرن پیش، یک نوع تفاهم ضمنی بین قدرت‌های شرق و غرب، شاید خود به خود، به منظور تجزیه سرزمین‌های مسلمانان شکل گرفته است. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی چند کشور مسلمان براساس تفاوت‌های قومی و قبیله‌ای و زبانی به وجود آمد. زان سو، زمینه اتحاد و پیوستن دو آلمان شرقی و غربی فراهم شد و اتحادیه اروپا شکل گرفت. اکنون (آذرماه ۱۳۹۹) ابر قدرت‌ها و قدرت‌های شرق و غرب، با همه اختلافاتی که بر سر منابع و گسترش حوزه نفوذ قلمروهای سیاسی و اقتصادی با یکدیگر دارند، در تضعیف کشورهای اسلامی و تجزیه هر چه بیشتر سرزمین‌های مسلمانان و در مقابل، تقویت و توسعه حیطه نفوذ اسرائیل متفق‌القول و وحدت عمل هستند. هم اکنون آنان با استفاده از دانش پژوهشگران زبان‌شناس، جامعه‌شناس، اسلام‌شناس و ... به برنامه‌ریزی‌های سنجیده و دقیق برای ایجاد اختلاف و تفرقه بین دولت‌های حاکم بر کشورهای اسلامی از یک طرف، و از طرف دیگر برانگیختن مسلمانان هر یک از کشورها علیه حاکمان خود مشغول هستند که نتایج آن هر روز آشکارتر می‌شود. گویی همان شیوه و شگرد اسکندر مقدونی را تجدید می‌کند^۱.

۱. بنگرید به: رستنی‌ها و پدیده‌های نباتی در تاریخ طبری، ص ۷۱۴ متن و پانویست.



باری، بازگردم به موضوع تاریخ کشاورزی مورد بحث. افزون بر اطلاعات و معلومات و مآخذی که برشمرده شد آثار و بقایای شواهد و مستندات ملموس و قابل تحقیق دیگری نیز در این باب موجود است که برخی از آنها از هر مستند و مأخذ مکتوبی می‌تواند رساتر و گویاتر باشد. اهم این آثار عبارت است از: ۱. اسامی ایرانی رستنی‌ها در دیگر زبان‌ها؛ ۲. وجوه تسمیه مواضع و آبادی‌ها؛ ۳. درختان کهن‌سال و تناور؛ ۴. آثار و بقایای ابنیه و آثار فلاحی کهن^۱. در اینجا به شرح مختصری از آثار شماره ۱ و ۲ و ۳ اکتفا می‌کند:

اسامی ایرانی رستنی‌ها در دیگر زبان‌ها

اسامی ایرانی رستنی‌ها به طور کلی از خودروی و مزروع (گل‌ها، گیاهان، درختان و میوه‌ها) وارد زبان‌های دیگر اقوام و ملل جهان در ادوار باستان شده است. بعد از اسلام نیز برخی از این اسامی ایرانی و فارسی یا معرب آنها به زبان‌های عربی، ترکی (ترکمنی، ازبکی، قرقیزی، اوغوری و ...)، ارمنی و هندی تسری پیدا کرده است. بدان‌سان که این‌گونه نام‌های ایرانی و فارسی در زبان‌های اقوام و ملل مذکور هنوز هم تداول دارد. همچنین نام ایرانی یا پارسی میانه (پهلوی) و فارسی برخی از رستنی‌ها یا وجوه معرب آنها وارد زبان‌های اروپایی و زبان‌های دیگر شده، از آن جمله است: اسپست (نام پارسی یونجه)، نارنج (نام فارسی نارنگ)، فستق (نام پارسی پسته که تقریباً به همه زبان‌های جهان امروز وارد و تحت قواعد زبانی هر یک تلفظ شده است) و اسپاناخ یا اسفناج و بسیاری از مزروعات، رستنی‌ها، گل‌ها، درختان، میوه‌ها و پدیده‌های نباتی دیگر. همچنین واژه پارسی «کرکم» و «کرکم» نام زعفران در پارسی عصر هخامنشیان، در ادوار باستان وارد زبان‌های اقوام

۱. شرح مطالب چهار عنوان مزبور در مقاله «سخنی چند در باب تاریخ کشاورزی ایران» تألیف صاحب این قلم آمده است (بنگرید به نخستین پانویشت همین مقاله)



و ملل دیگر شده است. لغت «زعفران» نیز همان‌سان که در نخستین اثر پژوهشی خود در سال ۱۳۵۱ و سپس در دیگر تألیفات خود یادآور شده‌ام معرب کلمه مرکب «زاپران» فارسی (زا+پران) است که مفهوم عمل «سقط جنین» را در ماهیت لفظی خود دارد^۱. زان‌سو، نام پاره‌ای از رستنی‌ها و درختان و میوه‌ها و برخی از پدیده‌های نباتی از السنه دیگر وارد زبان فارسی شده که در پژوهش در باب تاریخ کشاورزی ایران از نظر منشأ و پیشینه قابل اهمیت و بررسی است.

۲. وجوه تسمیه مواضع و آبادی‌ها

در محدوده حوزه نفوذ فرهنگ و مدنیت ایرانی و نیز زبان فارسی، به مفهوم جغرافیایی بسیار پهناور آن در قدیم، صدها شهر و روستا و آبادی و نیز مواضعی چون کوه و دشت و غیر آن وجوه تسمیه خود را از اسامی ایرانی و فارسی رستنی‌های مزروع یا خودروی، یا نام پدیده‌های مربوط به امور فلاحی اخذ کرده‌اند. برخی از این اسامی پیشینه بسیار طولانی داشته و در متون کهن از آنها یاد شده است. برای نمونه تنها به پاره‌ای از این گونه اسامی در عرصه محدوده خراسان و ماوراءالنهر قدیم اشاره می‌کنم:

زردک، چهارباغ (دو قریه در ناحیه بلخ)، رزان (به معنی تاکستان، از دهکده‌های ناحیه غور)، رزگان (تاکستان، در غرب غزنین)، دیه زعفران (روستایی در ناحیه بادغیس، در شمال هرات)، زعفرانیه (دهکده و رباطی در سبزوار و کاوانسرای در تربت حیدریه)، گوزگان (از شهرهای مهم خراسان قدیم، اکنون با نام جوزجان در شمال افغانستان)، ارزنه (از روستاهای کهن ناحیه تربت جام)، کاج درخت و صنوبر (دو روستا در

۱. زعفران طلای سرخ کرانه‌های کویر، ص ۷



تربت حیدریه)، سبزوار (به قول ابوالحسن بیهقی در قرن ششم: «سبزوار» شهری بزرگ شد به انواع درخت میوه‌دار و سایه‌بخش، پس مردمان این را «سابزوار» نوشتند، یعنی «سازوار» (تاریخ بیهقی، ص ۴۳)، ریوند (از شهرک‌های باستانی نیشابور)، سیب (درخوارزم)، زرشک (در شمال قندهار)، دهکده و پل ابریشم (بر سر راه ری به خراسان که در منابع عصر تیموریان از آن یاد شده و اکنون موجود است)، بخش آب (از قرای ناحیه مرغاب)، مرغاب (نام شهر و ناحیه‌ای در شمال هرات و جنوب مرو، که اعراب به آن «مروالرود» می‌گفتند)، و خش آب (بخش آب / و خشاب، یکی از شاخه‌های جیحون، شهرک «وخش» گویشی از «بخش» در کنار آن واقع است)، پنجاب (پنج آب: یا سرزمین پنج رود، در مرز جنوبی خراسان قدیم، در غرب شبه قاره هند)، سرخس، دره گز، کوچه پسته‌شکنان (از محله‌های شهر بخارا در قرن اول هجری).

۳. درختان کهن سال و تناور

هم‌اکنون صدها درخت کهن‌سال یا تناور در محدوده عرصه پهناور ایران فرهنگی به صورت سرسبز و بالنده موجود است. این گونه درختان عموماً در کنار مقابر عرفا، آزادگان و اعظم و اکابر مسلمانان ایرانی ادوار گذشته و نیز در حظیره (محوطه)، یا داخل صحن مزار امامزادگان است. ماجرا و فلسفه کاشت یا غرس اولیه این گونه درختان مقوله‌ای شگفت‌انگیز در باب تاریخ کشاورزی ایران است. تعداد زیادی از این درختان پیشینه مستند و مکتوب دارند، و در برخی از مآخذ و متون کهن به مناسبت‌هایی به وجود آنها اشاره شده است. برخی از این درختان عمری بیشتر از هزار سال و پیشینه‌ای فراتر از آن دارند. از آن جمله درخت بسیار کهن‌سال و تناور داخل صحن مقدم امامزاده سید حمزه در کاشمر است. این سرو پرنهیب و با عظمت، خود



جانشین درخت سرو دیگری شده است که آن سرو (دست کاشت زردشت، در ناحیه بشت یا پشت، یعنی ترشیز با طرثیث، کاشمر کنونی) حدود ۱۵ قرن سابقهٔ مکتوب و مستند داشته، که به دستور متوکل خلیفهٔ عباسی (خلافت ۲۳۲-۲۴۷) از پای در می‌آید، و قطعات بریدهٔ آن با ۱۳۰۰ شتر به بغداد حمل شده است؛ و در جمادی‌الاول سال ۲۳۷ نمادی از درخت سرو کاشمر بر پا شده است.^۱ درختان سرو تناور و با عمر بسیار دراز در سرزمین فارس و برخی از نقاط دیگر ایران موجود است، اما مشهورترین و تناورترین آنها درخت سروابرقو (ابرقوه) با عمر چهار تا پنج هزار سال در میانهٔ بیابان در نزدیک شهر باستانی ابرکوه (ابرقو) بالنده و سرفراز موجود است.^۲

انواع دیگر از درختان با عمر دراز، از آن جمله بنه و گردو و چنار و گز و غیر آن در نقاط مختلف موجود است. برخی از این درختان پیشینه یک تا دو هزار ساله و بسیاری چند صد ساله دارند، از آن جمله درخت پسته کهن‌سال و بسیار فرتوت روی مقبرهٔ شیخ احمد جامی (در تربت جام) است که دور تنهٔ این درخت (مرکب از چند شاخه اصلی و فرعی در روی مقبره) حدود ۱۱ متر می‌شود. این درخت در کمال سرسبزی و نشاط سابقهٔ مکتوب حدود ۹۷۰ سال دارد، و احتمالاً مستندترین و کهن‌ترین درخت پسته جهان به‌شمار می‌رود. بسیاری از این گونه درختان پسته، بر کنار مرقد عرفا و بزرگان بر جای مانده‌اند، از آن جمله درخت پسته کنار مقابر بزرگان در گازرگاه هرات و نیز در مزارهای خواف و تایباد و دیگر نواحی خراسان قدیم می‌توان ملاحظه کرد.^۳ افزون بر این خیلی از این درختان در دامنهٔ کوه‌ها و در نشیب دره‌های دوردست، و نیز در

۱. ابوالحسن بیهقی، تاریخ بیهق، ص ۲۸۲؛ و نیز پژوهش‌های ایرانشناسی، ج ۱۵، ص ۹-۲۹، مقاله «سرو» محمدحسن ابریشمی، ص ۱۰ به بعد

۲. تاریخ طبری، ج ۱۴، ص ۶۰۳۹؛ پژوهش‌های ایرانشناسی، ج ۱۷، ص ۱-۲۷، مقاله «چهارشنبه‌سوری» محمدحسن ابریشمی.

۳. محمدحسن ابریشمی، پسته ایران شناخت تاریخی، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳، ص ۸۸-۹۰.

کرانه یا حتی میانه بیابان‌ها، به دور از دسترس آدمیان رشد کرده و تناور شده و بر جای مانده است. از آن جمله باید از درخت پسته کهن سال در موضع «هنفش» در ناحیه محمدیه از نواحی شهرستان نائین یاد کرد که با حدود ۸۰۰ سال عمر سرسبز و پایدار برجاست.^۱ در متون کهن فارسی گاهی برحسب اتفاق یا اقتضا از این گونه درختان سخن رفته است. از باب نمونه، ابوالحسن بیهقی (قرن ششم) از درخت گردویی با حدود سه تن گردو در روستای «طبس» از نواحی بیهق (سبزوار کنونی) یاد کرده است.^۲ در نواحی شهرک «بایگ» از توابع تربت حیدریه درختان گردوی تناور چند صد ساله سرسبز و استوار پرمحصول و به قطر حدود یک متر و بیشتر موجود بود و هر یک سند مالکیتی داشت اما با تأسف بسیار هفتاد سال پیش (در سال ۱۳۲۹) ایتالیایی‌ها آنها را خریدند و بریدند و بردند.^۳

نمونه‌های دیگر، احمدعلی خان وزیری (قرن ۱۳)، در معرفی بلوک ساردویه، در جنوب گواشیر به فاصله ۳۵ فرسخ در شمال جیرفت و جنوب راین و مشروع اقطاع، هوایش را در نهایت برودت برشمرده و درباره وضعیت آب و هوایی چهار قریه «کُور» و «هَنزا» و «سَرْمَشک» و «دَرْفارد» نوشته است: درفارد چون قریب به بلوک جیرفت است هوایش به گرمی مایل است و درختان چنار بسیار دارد. در باقی دهات آنجا از شدت سرما جز درخت گردکان درخت دیگر کم است، اما گردوی این بلوک بسیار است. از آن جمله قریه سرمشک، در

۱. شادروان ایرج افشار، با دیدن این درخت پسته و گرفتن عکسی از آن، و نوشتن شرحی کوتاه از وضعیت آن در مجله بخارا (شماره ۳۷، شهریور ۱۳۸۳) در مقاله «تازه‌ها و پاره‌های ایران‌شناسی» مدخل ۹۰۴، به چاپ رسانده، و از راه لطف نوشته‌اند «عکس آن را به مؤلف کتاب معتبر پسته، محمدحسن ابریشمی تقدیم می‌کنم».

۲. به نوشته ابوالحسن بیهقی: دردیه «طبس» ناحیت اصل جوز [گردو] است که فقیه ابوالعباس قطنی معروف به ترک بدان اشارت کرد و گفت: در سالی مرا از این یک درخت پانصد من روغن جوز دخل بود، و هر که از اهل دیه حاضر بود بر آن گواهی دادند (تاریخ بیهق، ص ۲۷۸).

۳. اینجانب محمدحسن ابریشمی، و بسیاری از هم‌دیاران، به یاد داریم که درختان گردوی تناور بایگ را چگونه بریدند و بردند.



آنجا رودخانه‌ای است که دو طرف آن رودخانه دو فرسخ تمام درخت گردکان است. در هنزا و سایر قراء آن از این درخت لاتعدو لا تحصی [بیرون از عدد و آمار] است.^۱ به نوشته همو: در قریه سرمشک درخت گردگان عظیمی است، از خرافات مردم آنجاست که جمشید پیشدادی آن را غرس کرده و آن درخت را جمشیدی گویند متجاوز از ۴۰۰ گره گردو دهد، مردم کرمان ۵۰۰ گردو را یک «گره» [شمار گردوهای درخت جمشیدی دوپست هزار بوده]، سایر درختان بیش از ۵۰ گره ۲۵۰۰۰ [گردو] عمل ندارد.^۲

نمونه دیگر، اعتمادالسلطنه (قرن ۱۳)، از چنار بسیار تناور دهکده ارمیا (بین میامی و شاهرود بر سر راه مشهد) دیدن کرده و نوشته است: به عقیده اهالی سه نفر از انبیا از جمله «ارمیای نبی» در وسط آن مدفون‌اند. دور چنار در روی زمین تقریباً پنجاه ذرع است.^۳ درخت چنار بسیار تناور کنار مزار امامزاده روستای «توی» از نواحی اسفراین نیز با عمری دراز دیدنی است.^۴ درخت سرو کوهی کنار مرقد شیخ یوسف (وفات ۱۰۳۰) در کنار دهکده فیانی (پیانی، در ۱۶ کیلومتری راه مشهد به شاندیز) نیز پرهیبت و با عمری دراز است. سه درخت کاج تناور و بسیار کهن‌سال در حاشیه روستای فدافن در نزدیک کاشمر موجود است.^۵ وجود گونه‌های مختلف این درختان کهن‌سال، مخصوصاً در روی مقبره بزرگان و صحن مزارها و اماکن مقدس

۱. احمدعلی خان وزیری، جغرافیای کرمان، به کوشش دکتر ابراهیم باستانی پاریزی، تهران، انتشارات ابن سینا، ۱۳۳، ص ۱۱۲.

۲. وزیری، جغرافیای کرمان، ص ۱۹۷.

۳. اعتمادالسلطنه، مطلع الشمس، ص ۱۰۳۷؛ همو، مرآت السفر، ص ۸۸؛ پژوهش‌های ایران‌شناسی، ج ۱۵، ص ۲۱-۲۹.

۴. صاحب این قلم، از درخت چنار روستای توی در اسفراین در سال ۱۳۶۸ به همراه دوست ارجمند قدرت‌الله روشنی زعفرانلو دیدن کرده است.

۵. صاحب این قلم، از درخت سرو دهکده فیانی (پیانی) در سال ۱۳۵۸، و از سه درخت کاج دهکده فدافن در سال ۱۳۵۹ دیدار داشته و عکس‌هایی گرفته است. این عکس‌ها در مجموعه مقالات انجمن‌واره بررسی مسائل ایران‌شناسی در سال ۱۳۶۹ چاپ و منتشر شده است.

که تعدادشان بسیار است، با موجودیت خود استعدادهای اقلیمی مناطق را در باب کاشت و پرورش هر یک از این گونه درختان مشخص می‌کند.

جستارهایی از تاریخ کشاورزی ایران: زعفران، پسته و ابریشم

بنابر آنچه شرح آن گذشت، پژوهش در باب تاریخ کشاورزی ایران مستلزم دستیابی به اطلاعات بسیار گسترده و در عین حال فوق‌العاده پراکنده است که نیاز به منابع فراوان و عزم و همت گروهی دارد؛ جمعی مرکب از اساتید تاریخ ایران با تخصص اعصار مختلف تاریخی و شماری از متخصصان رشته‌های مختلف کشاورزی و باغبانی و آب و آبیاری و نیز اقلیم‌شناسی و گیاه‌شناسی و امور وابسته و منسوب، که عشق و علاقه خاص به پژوهش در باب تاریخ کشاورزی داشته باشند. بنده هیچ‌مدان در حدود چهل سال پیش از این با استاد ایرج افشار درباره تصمیم خود در باب تألیف تاریخ کشاورزی ایران مشورت کردم. ایشان با برشمردن ابعاد و دامنه بسیار وسیع این تألیف، تئنگاری در باب مباحث و موضوعات آن را توصیه کردند و توضیح دادند. شادروان دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، که همواره از راهنمایی‌های ایشان بهره‌مند بودم، نیز همان نظر استاد افشار را داشتند. بر همین اساس تحقیق در باب سه محصول بااهمیت و بسیار کهن ایران یعنی ابریشم، پسته و زعفران را که یادداشت‌های فراوانی از آنها داشتم آغاز کردم. در سال ۱۳۶۳ تألیف کتاب شناخت زعفران ایران را به انجام رساندم که دانشمندان ایرانی شادروان سیدمحمدعلی جمال‌زاده (وفات ۱۷ آبان ۱۳۷۶ ژنو) و ایرج افشار (وفات ۱۸ اسفند ۱۳۸۹ تهران) تقریظ‌های شوق‌انگیزی بر آن نوشتند؛ از جمله به نوشته استاد جمال‌زاده «کتاب شناخت زعفران ایران، هر کس را متعجب و متحیر خواهد ساخت،



چون موضوع کتاب بسیار آموزنده و بی‌نظیر است» (ژنو، ۲۴ بهمن ۱۳۶۴)، و به نوشته استاد ایرج افشار: «خوشبختانه مؤلف این کتاب توانسته است براساس مدارک متعدد مقام زعفران، گیاه پیازی کوچک و کم‌زندگانی، را در کشاورزی و بازرگانی و پزشکی نشان دهد، و از نظر تاریخی و فرهنگی و مدنی بسیاری ... ما را از نکته‌های دلپسند برخوردار سازد...» (ایرج افشار ۶ بهمن ۱۳۶۳). در سال ۱۳۶۴ نخستین پیش‌نویس کتاب شناخت تاریخی پسته ایران را در ۸۷۶ صفحه قطع رحلی با استفاده از صدها مأخذ معتبر، و سفرهای طولانی به همه مناطق پسته‌خیز ادوار گذشته و کنونی آماده کردم که چهل نسخه آن برای اظهار نظر مراکز علمی و تحقیقاتی و دانشگاه‌های کشور، و ده نسخه برای کارشناسان و صاحب‌نظران مختلف باغبانی و بازرگانی پسته و شش نسخه برای اساتید تاریخ و ادبیات، و نسخه‌ای برای استاد سیدمحمدعلی جمال‌زاده فرستاده شد. جملگی ضمن تمجید از مطالب خواستار چاپ آن شدند. استاد جمال‌زاده در پاسخ به نامه این هیچ‌مدان از جمله نوشته‌اند «ژنو، ۲ آذر ۱۳۶۴... مرقوم داشته‌اید که مردی ۴۶ ساله هستی و ۴۵ کیلو وزن دارید، این دقت جنابعالی را در کار می‌رساند، و مستحق تبریک و تمجید مخصوص است. به‌خصوص که اتفاقاً وزن من هم در این سن و سال، که اندکی بیش از دو برابر سن شماست ۴۳ کیلوگرم شده و ۹۳ سال سن دارم». این کتاب با عنوان «پسته ایران شناخت تاریخی» در سال ۱۳۷۳ توسط مرکز نشر دانشگاهی منتشر، و برنده جایزه کتاب گزیده سال شد و چهار هزار نسخه آن به سرعت فروش رفت. مرحوم دکتر عبدالحسین زرین‌کوب (وفات ۲۴ شهریور ۱۳۷۸) نیز طی شرحی از جمله نوشته‌اند: «تحقیقی که همت و پشتکار و دقت و کنجکاوی آقای محمدحسن ابریشمی آن را به صورت کتابی در باب پسته و مسائل مربوط به آن سامان داده، کاری راهگشا، پیشاهنگ، و در نوع خود بی‌سابقه است. سال‌هاست که من کار این پژوهنده خود آموخته



و کنجکاو و فروتن را با نظر تحسین و علاقه دنبال کرده‌ام و همت تزلزل‌ناپذیر و حوصله بی‌ملال وی را، در راه تحقیق پابندانِ صحت و دقت کارهایِ در حدوسایل و امکانات بیش و کم محدودی که در دسترس داشته است— یافته‌ام ...».

نکته جالب و بااهمیت آنکه، صاحب این قلم در کتاب پسته ایران شناخت تاریخی، با نقل این بیت رودکی: منم خو کرده با «بوسش» چنان چون «باز» بر «مسته» / چنان بانک آرم از «بوسش»، چنان چون بشکنی «پسته»، و در توضیح آن از جمله نوشته است: آیا احتمال دارد که واژگان فارسی «بوسه» و «پسته» در ریشه و اصل مأخوذ از صدای دو لب «بوس» و صدای شکستن دو لب پوست «پسته» باشد؟ چرا که این دو صدا، تلفظ واژگان «بوسه» و «پسته» را تداعی می‌کند.^۱ شش سال بعد (در سال ۱۳۷۹)، در مقاله «پسته» مندرج در دانشنامه جهان اسلام، همان احتمال را که واژه فارسی «پسته» یک «آدانام» یا «کلمه صوتی: onomatopoeia» باید باشد مطرح کرده است.^۲ یازده سال بعد، در تاریخ ۲۵ مهرماه ۱۳۹۰، طی یک ساعت گفتگوی تلویزیونی زنده در باب تاریخ کشاورزی ایران از شبکه ۴ سیمای جمهوری اسلامی با شکستن پسته محصول جنگل‌های ناحیه سرخس، بینندگان صدایی با تلفظ «پیستک» و نیز با بوسیدن کف دست خود، آوایی با تلفظ «بوس» را شنیدند و دیدند.^۳ سرانجام در مقاله‌ای با عنوان: «واژه پسته و منشأ آن» با ارائه مستندات «آوانام» بودن واژه «پیستک» و «پیسته» و «پسته» را ثابت کرده است.^۴

۱. محمدحسن ابریشمی، پسته ایران شناخت تاریخی، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳، ص ۴۰.

۲. دانشنامه جهان اسلام، (۵) ب - پ، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، ۱۳۷۹، مقاله «پسته» تألیف محمد حسن ابریشمی، ص ۶۲۸-۶۳۶.

۳. این گفتگو با خانم دکتر روشنک آذری (مجری برنامه) در برنامه «اردیبهشت» انجام شده و پس از آن بارها پخش شده است.

۴. آن مقاله با عنوان «واژه پسته و منشأ آن»، در پژوهش‌های ایران‌شناسی، جلد بیست و یکم به کوشش ایراج افشار با همکاری کریم اصفهانیان، تهران،



در تیر ماه ۱۳۶۴ که تألیف کتاب پسته ایران به انجام رسید چند نسخه از آن را تکثیر کرده و نسخه‌ای را برای اظهار نظر استاد سید محمد علی جمال‌زاده به ژنو فرستادم؛ چرا که ایشان نخستین شخصیت ایرانی است که در زمینه اقتصادی و صادرات و واردات و تجارت ایران به شیوه علمی تحقیق کرده و کتاب گنج‌شایگان را که پائندان تحلیلی از صادرات و واردات و تجارت و از جمله بازرگانی خشکبار و پسته ایران است در سال ۱۳۳۵ هجری قمری (۱۲۹۶ ش / ۱۹۱۷ م) تألیف و در برلین چاپ شده است. استاد جمال‌زاده، ۳۵ سال پیش در پاسخ به نامه این هیچ‌مدان (محمد حسن ابریشمی)، طی پنج صفحه نامه خود (به تاریخ ۲۵ آذر ۱۳۶۴ ژنو) مطالب بسیار مهم درباره نفت و اقتصاد و سیاست ایران آن دوران نوشته‌اند که در سال‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۸۷ چاپ و منتشر شده است، از جمله آمده است:

... همین قدر می‌دانم که به‌طوری که خودتان در آغاز گفتار اول از کتاب بسیار پرارزش خود تذکر داده‌اید باید دید: «آیا ادامه حیات سیاسی و اقتصادی کشور ایران بدون درآمد حاصله از نفت میسر است یا نه؟» و خودتان در جواب متقن و مبنی بر علم و معرفتتان جواب لازم به این سؤال حیاتی داده‌اید. من هم می‌ترسم چنان‌که در افواه است (راست یا دروغ و از راه مصلحت‌اندیشی) ممکن است روزی برسد که منابع نفتی ما (و سایر ممالک نفت‌خیز) دچار قَلّت محصول نفت خود بگردند و حتی از کجا که منابع بسیار پرمایه و پرپشت جدید نفت در اطراف و اکناف دنیا مکشوف نگردد ... پس با این مقدمات که البته جنبه احتمال دارد ممالکی مانند ایران خودمان اقتصاد و سیاستشان ارتباط بسیار مستقیم با نفت پیدا کرده و نفت در بودجه آنها مقام بسیار مهمی پیدا کرده است؛ لازم است که از همین امروز الساعه مسئله نفت را مرکز اندیشه خود قرار بدهند

و تا جایی که ممکن است زد و خوردهای گوناگونی را که روزگار ما را تیره ساخته است قدری در درجهٔ سوم و چهارم و پنجم قرار بدهند و به مسائل مهم‌تر بپردازند و به حکم الهمّ فالهمّ عمل فرمایند، و در این قبیل کارهایی که مستقیماً با حیات و استقلال مُلک و مِلّت سر و کار دارد بیشتر توجه فرمایند. از قرار معلوم پسته را هم در ایران می‌توان مورد توجه خاص قرار داد و با وسایلی که در کتاب بسیار کامل و واقعاً آموزنده و عملی «شناخت پستهٔ ایران» با آن همه بصیرت و خبرت به ما می‌آموزد حاصل پسته را (و هکذا محصولات دیگر را) افزود و شاید دو برابر و سه برابر و چند برابر ساخت؛ ولی ضمناً نباید از نظر دور داشت که مردم این کشوری که ایران دارد و از قرار معلوم کم کم دارای جمعیت و نفوسی در حدود ۳۵ الی ۴۰ میلیون آدم زندهٔ نان‌خور و محتاج به آب و منزل و هزار چیز دیگر است و چنانکه ورد زبان‌ها بوده و هست از کاغذ و چاپخانه برای کلام‌الله مجید تا چلوار برای کفن نیازمند به این همه چیزهاست قبل از هر چیز دیگر محتاج به آب است و محتاج به زمین قابل زراعت است، و تمام این چیزها بدون درس و مدرسه و معلم و کتاب و چاپ و آب و نان و امنیت و عدالت و تأمین معاش کافی امکان‌پذیر به نظر نمی‌آید، و فراهم ساختن این همه مایحتاج هم بدون تربیت که پایه و اساسش اخلاق و ایمان و ایثار است، اگر کاملاً غیرممکن و محال هم نباشد، همچنان که درشکه بدون اسب و اتومبیل بدون بنزین و برق و تنور بدون آتش و حرارت به کار نمی‌افتد باید به قدر ضرورت فراهم و موجود باشد و این بستگی کامل دارد به لطف غیبی و آسمانی و آدمیت و همّت و حسن نیت و عمل کردن به آنچه در شبانه‌روز، روزی چند مرتبه، ورد زبان ماست «حی علی خیرالعمل»^۱.

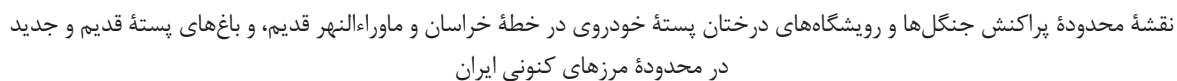
مطالب مزبور بخشی از نامهٔ شیوا و دلنشین مرحوم جمال‌زاده است که جمعیت ایران حدود سی میلیون

۱. نامه‌های جمال‌زاده در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ص ۷۸-۸۰ به اختصار.



بوده و اکنون (آذر ۱۳۹۹) نزدیک به نود میلیون رسیده است. در سر آغاز نامه ایشان از جمله آمده است: «... مرقوم داشته‌اید که مردی ۴۶ ساله هستید و ۴۶ کیلو وزن دارید. این خود دقت جنابعالی را در کار می‌رساند و مستحق تبریک و تمجید مخصوص است، به خصوص که اتفاقاً من هم در این سن و سال که اندکی بیشتر از دو برابر سن شماست ۴۵ کیلو شده و ۹۳ سال عمر دارم. کتاب شناخت پسته ایران در دو جلد ضخیم مشتمل بر ۸۷۶ صفحه بزرگ [قطع رحلی]... متضمن اطلاعات علمی و تاریخی و فنی و زراعتی مفید می‌باشد و هر خواننده‌ای را سودمند و دلپسند است...»^۱. استاد جمال‌زاده در پاسخ به پرسش یکی از مجلات چنین نوشته‌اند: «از من می‌پرسید در سال ۱۳۶۶ چه کتابی خوانده‌ام که مطلوب و سودمند و دلنشین یافته‌ام؟ کتاب‌های زیادی خوانده‌ام، از آنها می‌توانم به کتاب شناخت پسته ایران نوشته محمدحسن ابریشمی در دو جلد ضخیم که مشتمل است بر ۸۷۶ صفحه بزرگ و متضمن اطلاعات علمی و تاریخی و زراعتی و فنی مفید، و هر خواننده را سودمند و دلپسند است.»

۱. همان کتاب، ص ۷۶، ۷۷ به اختصار؛ و نیز پسته ایران، ص ۹ پیشگفتار.





نکته قابل توجه و اهمیت آنکه، در کتاب پسته ایران شناخت تاریخی و نیز در پسته‌نامه و در چند مقاله در باب این محصول اولاً ایرانی‌بودن منشأ درختان پسته و نام آن را با مستندات مدقن و معتبر به اثبات رسانده، ثانیاً مناطق رویشگاه‌های طبیعی درختان پسته و جنگل‌های آن را در محدوده خراسان و ماوراءالنهر قدیم مشخص کرده، ثالثاً مناطق پرورش درختان پسته یا به اصطلاح ایجاد قدیم‌ترین باغ‌های پسته در نواحی گرگان و خراسان و تسری بعدی آن به مناطق دامغان و سمنان و قم و ساوه و سپس قزوین نشان داده و قرن‌ها بعد نخستین درختان پسته از خراسان به نواحی یزد و اصفهان و کرمان انتقال یافته است. بر روی نقشه مزبور، عرصه بسیار پهناور و رویشگاه‌های طبیعی درختان پسته در خطه خراسان و ماوراءالنهر در ادوار قدیم و نیز باغ‌های پسته کهن و جدید در محدوده مرزهای سیاسی کنونی مشخص شده است.

به همین ترتیب پژوهش در باب زعفران را از سال ۱۳۴۸ آغاز کرده و در سال ۱۳۵۱ نخستین تألیف پژوهشی را با عنوان: زعفران طلای سرخ کرانه‌های کویر به انجام رساندم. پس از آن به پژوهش در باب زعفران ادامه داده و چهار جلد کتاب و چندین مقاله در حدود سه هزار صفحه تألیف و منتشر کرده‌ام. در این تألیفات ضمن اثبات منشأ ایرانی گیاه زعفران از دامنه‌های الوند، همه مناطق زعفران‌خیز ادوار باستان و بعد از اسلام را با مستندات فراوان معرفی کرده‌ام. بدان‌سان که پس از انتشار تألیفات این هیچ‌مدان کشت زعفران و ایجاد باغ‌های پسته در مناطق زعفران‌خیز و پسته‌خیز ادوار کهن تجدید شده و رونق گرفته است.

اما پژوهش در باب ابریشم ایران، به لحاظ پیشینه بسیار دور و دراز و نیز منشأ پر از ابهام آن تا کنون به انجام نرسیده است. اما در خلال حدود چهل سال پژوهش در این باب، چند مقاله تحقیقی تألیف کرده که

نسبت و ارتباط مستقیم با منشأ و نام و نشان ابریشم داشته، از آن جمله است: « ۱. شناخت ابریشم ایران^۱»، « ۲. پژوهشی در باب القاب تهمورث: زیناوند؟ دیوبند، دیباوند، زیباوند^۲»، « ۳. پیلسته (پیل + استه) به چه معنا بوده است؟^۳»، « ۴. تنبور: دستان یا چنگ...^۴»، « ۵. نوغان، نوقان: پژوهشی درباره پیشینه و ریشه کلمات نوغان، نوقان و نوقانه^۵». امیدوار است که توفیق به انجام رساندن کتاب شناخت ابریشم ایران را اگر عمری باقی باشد در سال آینده (۱۴۰۰) بیابم. گفتارم طولانی شد و گفتمانی‌ها در باب تاریخ کشاورزی ایران فراوان، که به همین بسنده می‌کنم و در خدمت شما عزیزان هستم.

❖ دکتر زند:

جناب استاد شما بسیار مطالعه دارید، خوش‌بین و خوش‌صحت هستید، با ذکر منبع سخن می‌گویید و ما نیز علاقمند به شنیدن آن هستیم. به نظر شما و طی مطالعاتی که تا به امروز داشتید بفرمایید که تاریخ کشاورزی چه درس‌هایی برای آیندگان دارد؟ من در جمله‌ای خوانده‌ام که تاریخ مانند آینه عقب ماشین

۱. فصلنامه تحقیقات تاریخی (تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی)، شماره ۴ و ۵، بهار و تابستان ۱۳۶۹، مقاله شناخت ابریشم ایران، ص ۱۲۳-۱۵۲.

۲. نامه فرهنگستان، دوره ششم، شماره اول، تیرماه ۱۳۸۲، مقاله القاب تهمورث: دیوبند...، ص ۱۹۳-۲۰۵.

۳. مزدک‌نامه (پژوهش‌های ایران‌شناسی)، خواهان: جمشید کیانفر، پروین استخری، تهران، ناشر خواهان، مقاله پیلسته (پیل + استه)، ص ۲۳۸-۲۴۸.

۴. ارغنون ساز فلک (ارجنامه استاد فریدون حافظی) به کوشش مصطفی ساکت، تهران، عرفان، ۱۳۹۰، ص ۱۱۳-۱۴۸.

۵. فصلنامه پاژ (دوره جدید)، مشهد، فرهنگسرای فردوسی، شماره پیاپی ۱۰، تابستان ۱۳۹۱، ص ۲۴-۳۲، با تجدیدنظر و افزوده‌هایی مزدک‌نامه^۶، خواهان (به کوشش) جمشید کیانفر، پروین استخری، تهران، ۱۳۹۳، ص ۲۶۱-۲۹۶.



است تا بتوان با نگاه کردن به آن رانندگی بهتری رو به جلو داشت. شما عقبه تاریخ کشاورزی ایران را به حمدالله به خوبی نگاه کرده اید و کسی هم به اندازه شما در ایران این قدر کار نکرده است. من از قبل با آثار شما آشنا هستم و می توانم به جرأت بگویم که شما پدر تاریخ کشاورزی ایران هستید. در این فراز و نشیبها و درس هایی که از تاریخ ایران می گیریم چه درس هایی وجود دارد که بتواند برای آیندگان مفید واقع شود؟

❖ استاد ابریشمی:

از حسن توجه شما به آثار خود متشکرم. همان گونه که در گفتار طولانی خود عرض کردم، گستره بسیار پهناور سرزمین ایران از استعدادهای اقلیمی متنوعی برخوردار بوده و در هر یک از مناطق آن استعدادهای تولید محصولات زراعی و باغی وجود داشته که در ادوار تاریخی گذشته کشاورزان و باغبانان ایرانی به تجربه پی برده و مطابق همان استعدادها کشت و کار محصولاتی خاص را اتخاذ کرده اند. از باب نمونه همان سان که در گفتار پیش یادآور شدم کشت و کار زعفران در ادوار باستان و بعد از اسلام در برخی از مناطق ایران زمین از جمله نواحی همدان، کرمانشاه، ری و قم رواج داشته که به سبب عوارض یا بلاهای طبیعی چون خشک سالی یا عوامل انسانی چون جنگ ها و قتل عام ها از میان رفته و بعدها در مناطق دیگری آغاز شده است که در پژوهش های خود همه مناطق کهن را معرفی کرده و اکنون کشت زعفران به میزان بسیار گسترده ای در آن مناطق تجدید شده است.

در مورد پسته نیز همان پژوهش ها انجام شده و با معرفی مناطق پسته خیز ادوار کهن، کاشت نهال پسته و

ایجاد باغستان‌های پسته پس از قرن‌ها رونق مجدد گرفته است. افزون بر این در این تحقیقات آگاه می‌شویم که این دو محصول با منشأ ایرانی، یعنی «پسته» و «زعفران» نام و نشان خود را از کی و از کجا دارند و چگونه به دیگر اقوام و ملل معرفی شده‌اند. حاصل و نتیجه پژوهش‌های مزبور در شمار دو مبحث از موضوعات تاریخ کشاورزی ایران است. تاریخ کشاورزی ایران در بردارنده آگاهی‌ها و دانش‌ها و تجارب نیاکان کشاورز پیشه ما طی هزاران سال گذشته است که می‌تواند درس‌های مفید و ارزشمندی برای آیندگان باشد. تجربه کاشت یا غرس نهال درخت سرو در کرانه‌های بیابانی یکی از تجارب ایرانیان با حدود پنج هزار سال پیشینه تاریخی است، که موجودیت سرو ابرقو (ابرکوه) در کنار کویری به همین نام این پیشینه را تأیید می‌کند. همچنین داستان غرس درخت سرو توسط زردشت (پیامبر ایرانی) در ناحیه کاشمر (واقع در شمال شرقی کویر نمک) که در متون کهن در شاهنامه آمده است، دلالت بر آن دارد که درختان سرو قابلیت رشد در کرانه‌های بیابانی دارند و می‌توانند در تلطیف هوا و جلوگیری از پیشرفت بیابان‌ها مؤثر باشند^۱. گونه‌های مختلف درختان بارور و غیرمثمر با عمر چند صد ساله و هزار سال و بیشتر که به برخی از آنها اشاره شد استعداد مناطق را در مواردی مشخص می‌کنند. همچنین وجه تسمیه کهن برخی از مواضع و آبادی‌های برگرفته از نام رستنی‌ها و مزروعات و درختان نیز بیانگر استعداد آن مواضع نیز هست.

در اردیبهشت ۱۳۹۸ هجوم هولناک دسته‌های عظیم ملخ با تراکم بسیار انبوه در بخش‌های جنوبی ایران خرابی‌هایی به وجود آورد و نگرانی‌های زیادی ایجاد کرد. حمله چند میلیونی و شاید میلیاردی ملخ‌ها به کشور، پیشینه دور و درازی دارد و خسارات وارده به کشتزارها و باغستان‌ها فوق‌العاده فراوان بوده است. اما

۱. محمدحسن ابریشمی، سرو در فرهنگ ایرانی و نقش‌های هخامنشی، پژوهش‌های ایران‌شناسی، ج ۱۵ (ستوده‌نامه ۱)، به کوشش ایرج افشار، تهران، بنیاد موقوفات دکتر افشار، ۱۳۸۴، ص ۹-۲۹.



نیاکان ما به تجربه شیوه دور کردن توده‌های عظیم ملخ را دریافته بودند. به این ترتیب که اهالی روستاها و آبادی‌ها به محض آگاه شدن از پرواز میلیونی توده‌های ملخ، زن و مرد با کوبیدن چوب و سنگ بر طشت (معرب تشت) و سینی و طاس و دهل و طبل، با ایجاد ارتعاشات صوتی شدید و کر کننده در فضا مانع فرود و نشستن توده‌های عظیم ملخ‌ها می‌شدند. تجربه‌ای که در متون کهن از آن یاد شده است و هنوز هم استمرار دارد. از باب نمونه اسدی طوسی (وفات ۴۶۵) این بیت خسروی سرخسی (از شاعران قرن چهارم) را به شاهد (سینی): تشت خوان (سفره)) نقل کرده است: «تو چه پندار یا که من ملخم / که بترسم زبانک سینی و طاس؟»^۱.

ایرانیان برخی از شیوه‌های دفع گزندگان و حشرات و آفات نباتی را در ادوار کهن به تجربه دریافته‌اند. از باب نمونه از «انغوزه» با نام‌های پهلوی (پارسی میانه) «انگژد» و فارسی «انگژد» و «انگژد» و «انغوزه»، عربی آن «حلتیت» و نیز «حلتیث» برای دور کردن حشرات و دفع گزندگان و ضدآفات نباتی استفاده می‌کرده‌اند.^۲ گیاه انغوزه موسوم به «کما» یا «انگدان» معرب آن «انجدان»، با وجه تسمیه عربی «محروث»، از زمان‌های خیلی دور توسط ایرانیان شناسایی شده است. همچنین شیوه استحصال شیره با صمغ گیاه «کما» یعنی «انگژد» نخستین بار توسط آنان انجام گرفته است.^۳ شیوه‌هایی که تا حدود هفتاد سال قبل برای دفع آفات استمرار داشته است. حتی تحصیل‌کردگان رشته کشاورزی و باغبانی در خارج از کشور، یا مدرسه عالی فلاح کرج در حدود نود سال پیش نیز از مواد طبیعی در دفع آفات نباتی بهره می‌گرفته‌اند.

۱. محمدحسن ابریشمی، هوشمندی‌های رفتاری حشرات (مورچه، ملخ، زنبور عسل)، روزنامه اطلاعات (ضمیمه علمی (دانش شماره ۴۷۴-۴۹۰) ۱۷۰ شهریور ۱۳۹۸-۱۵ دی ۱۳۹۸.

۲. محمدحسن ابریشمی، انگدان: کما و گونه‌های متناظر. مجله نشر دانش، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، شماره ۱۷ آذر و دی ۱۳۸۸، ص ۳۳-۴۳.

۳. محمدحسن ابریشمی، انغوزه و رستنی‌ها و صمغ‌های مشابه در فرهنگ ایرانی، پژوهش‌های ایران‌شناسی، جلد نوزدهم، به کوشش ایرج افشار با همکاری کریم اصفهانیان، تهران، بنیاد موقوفات دکتر افشار، ۱۳۸۹، ص ۳۳-۶۷.

از باب نمونه در سال ۱۳۱۴ و ۱۳۱۵ آفت خسارت‌های سنگینی به محصول پسته ایران در اکثر نواحی پسته‌خیز وارد کرده است. مرحوم مهندس محمد کوثری ضمن مسافرت به نواحی مختلف پسته‌خیز کشور در شهریور ماه ۱۳۱۵ اولین مقاله را با عنوان «آفات پسته و طرز دفع آنها» در مجله فلاح (شماره ششم، سال چهارم) به چاپ رسانده است. وی، از جمله «آفت خوشه» یا به اصطلاح اهالی کرمان «آفت شیر»؛ «*Idiocerus stali*» (تشخیص آقای جلال افشار، استاد دانشکده فلاح) را معرفی کرده و مواد دفع آفات و چگونگی تهیه محلول آن را برای سمپاشی شرح داده، و مواد و میزان آن را به این شرح ثبت کرده است: «تنباکو ۳ کیلوگرم، صابون ۵۰۰ گرم، کربنات دو سود ۴۰۰ گرم، الکل ۱ تا ۲ لیتر». ملاحظه می‌شود که همه مواد در دسترس است، در حالی که اکنون تعداد آفات نباتی فوق‌العاده زیاد شده و انواع سموم کشنده و مضر برای انسان و طبیعت متنوع است^۱.



۱. مجله فلاح (علمی، فنی عملی) شماره ششم، سال چهارم، شهریور ۱۳۱۵، ص ۱-۵، محمد کوثری (حشره‌شناس).



مثالی دیگر، در پارسی باستان و زبان پهلوی (فارسی میانه) واژه «مژ» به معنی عدس است، و ایرانیان با عدس یا «مژ» نوعی خوراک و گونه‌ای شیرینی تدارک می‌دیده‌اند. خوراک تهیه‌شده با عدس در خراسان قدیم و ماوراءالنهر معمول بوده و با نام «مژانه شور» شهرت داشته و همان است که اکنون با نام «عدسی» شناخته می‌شود. اما شیرینی تهیه‌شده با «مژ» همانند دو نوع شیرینی دیگر، با نام‌های پهلوی و فارسی «لوزینه» و «گوزینه» ساخته می‌شده است. در نوع اول مغز بادام (پهلوی آن: لوز) و در دومی مغز گردو (پهلوی آن: گوز، معرب آن: جوز) به کار می‌رفته است. واژه فارسی «مژانه» به طور کلی به معنی «باقلوا» بوده است. مرحوم دهخدا واژه «مژانه شور» را ثبت کرده و نوشته است: «این کلمه در عبارت زیر آمده است، و ظاهراً یکی از دانه‌ها نظیر عدس و برنج و ارزن و گندم و شاهدانه باید باشد: و دیگر سه درم بادام و سه درم رسته و سه درم مژانه شور به من دهند (بخاری، انیس الطالبین، از یادداشت مرحوم دهخدا، لغت‌نامه). در دیگر فرهنگ‌های فارسی معاصر و ادوار گذشته واژه «مژانه» مدخل قرار نگرفته و تنها جاروتی در مجموعه الفرس نوشته است. «مژانه: لوزینه بود»، این هیچ‌مدان در مقاله‌ای برای اول بار ثابت کرده است که «مژانه» به همان معنی «لوزینه» یا نوعی «باقلوا» بوده که ایرانیان در ادوار گذشته با «عدس» یا «مژ» نیز آن را تهیه می‌کرده‌اند و در دوران صفویه تهیه آن استمرار داشته است.^۱

ملاحظه می‌شود که واژه فارسی «مژ» به معنی «عدس» از یادها رفته و حتی نام فارسی شیرینی «مژانه» در فرهنگ‌های فارسی ثبت نشده است. در حالی که در تاریخ کشاورزی جستاری به حبوبات یا به اصطلاح «بنشن» اختصاص پیدا می‌کند، و در بخشی از آن درباره پیشینه نام و نشان و خصوصیات و موقع و مناطق

۱. این مقاله تحت عنوان «پژوهشی در باب واژگان رودینه و مژانه» در فصلنامه پاژ (مشهد، فرهنگسرای فردوسی، شماره‌های پیاپی ۳۶ و ۳۷، زمستان ۱۳۹۸ و بهار ۱۳۹۹، ص ۸-۱۸ و ۳۳-۴۸) چاپ و منتشر شده است.



مستعد کشت و کار «مژو» یا نام عربی «عدس» گفتگو می‌شود. سخن کوتاه تاریخ کشاورزی ایران درس‌های فراوانی برای نسل حاضر و آیندگان دارد. حدود ربع قرن پیش روزنامه همشهری مصاحبه‌ای با این هیچ‌مدان در باب تاریخ کشاورزی ترتیب داد که تحت عنوان «جای خالی تاریخ کشاورزی در تحقیقات دانشگاهی» چاپ و منتشر شده است.^۱

❖ دکتر زند:

استاد برداشت من از صحبت‌های شما این است که در تاریخ کشاورزی، دانش زیادی است و با توجه به اشاره شما به همین مثال «عدس» دانش سنتی زیادی در تاریخ کشاورزی ما هست که نتوانسته‌ایم از آن استفاده کنیم.

❖ استاد ابریشمی:

کاملاً درست است همین نتایج و استنباطی که شما می‌گویید. به نظر من باید تاریخ کشاورزی خوب خوانده شود و متأسفم که حوصله کتاب خواندن در ایران کم است.

۱. روزنامه همشهری، شماره ۷۵۹، ص ۱۱، یکشنبه ۲۹ مرداد ۱۳۷۴، ذیل عنوان «جای خالی تاریخ کشاورزی در تحقیقات دانشگاهی»، گفتگو با محمد حسن ابریشمی پژوهشگر تاریخ کشاورزی ایران



❖ دکتر زند:

یعنی در تاریخ کشاورزی ایران، دو برداشت براساس راهی که شما رفته‌اید و نگاهی که شما کرده‌اید می‌توان داشت. یکی بیرون کشیدن دانش سنتی از دل تاریخ و دیگری ریشه‌یابی تاریخی انطباق محصول با محیط زیست است. به عبارتی هنوز آگاهی لازم به‌منظور استفاده‌های عملیاتی و اقتصادی از تاریخ کشاورزی نداریم و به همین علت به آن ورود نکرده‌ایم.

❖ استاد ابریشمی:

بله اظهار نظر جناب عالی قرین به واقعیت است. خیلی مسائل مهم در تاریخ کشاورزی ایران می‌تواند کشاورزی ایران را مترقی کند به شرطی که ما دانش‌های قبلی را کم نگیریم و به آنچه که داشتیم اضافه کنیم. من رشته‌ام کشاورزی نیست، حداقل ۳۰ تا کتاب باغبانی و کشاورزی و چندین کتاب گیاه‌شناسی با دقت مطالعه و حفظ کرده‌ام تا بتوانم به‌درستی به مباحث و موضوعات تاریخ کشاورزی بپردازم. به گمان این هیچ‌مدان همان‌سان که در گفتار خود اشاره کردم باید عده‌ای از دانشجویان رشته‌های مختلف کشاورزی و باغبانی که علاقمند به پژوهش و مطالعه هستند در باب تاریخ کشاورزی به تحقیق بپردازند و پایان‌نامه تحصیلات عالی خود را در باب مباحثی از تاریخ کشاورزی تألیف و تدوین کنند و با ادامه‌دادن به پژوهش‌ها و دریافت مدارک و مدارج تحصیلی عالی‌تر به کار تدریس در باب تاریخ کشاورزی ایران بپردازند. پس از آن استفاده‌های مختلف این رشته از تاریخ در اقتصاد و امور مختلف کشاورزی و امور و رشته‌های وابسته به آن عیان خواهد شد.



پژوهش‌های این هیچ‌مدان که به تألیف کتاب‌هایی در باب پسته و زعفران و ابریشم و نیز رستنی‌ها و پدیده‌های نباتی در تاریخ طبری انجامیده است می‌تواند نمونه‌های بارزی از جستارهایی از تاریخ کشاورزی ایران باشد. به همین ترتیب حدود یکصد مقاله از پژوهش‌های مخلص که به چاپ رسیده است چون هوش و ادراک رستنی‌ها، خر در تاریخ و فرهنگ و متون، سقز، انگدان و انغوزه، سرو در فرهنگ ایرانی، مشترکاتی از دیوان و سومریان، جنگل در فرهنگ‌ها، دادگری و برکات خداوندی، خرمای ایران، واژگان ایرانی کشت و کار، گل و گیاه در فرهنگ ایرانی و ... می‌تواند مباحثی از تاریخ فرهنگ و کشاورزی و نیز تاریخ طبیعی ایران باشد.

❖ دکتر زند:

جناب استاد تاریخ کشاورزی که شما کار می‌کنید در چه وضعیت است و به کجا رسانده‌اید؟

❖ استاد ابریشمی:

حدود ۳ هزار صفحه مقاله دارم که اکثراً چاپ شده و اغلب در باب مباحثی از تاریخ کشاورزی است.

❖ دکتر زند:

اگر بخواهیم مجموعه تاریخ کشاورزی جنابعالی را در مرکز نشر چاپ کنیم. چه باید کرد و چند درصد کار پیش رفته است؟



❖ استاد ابریشمی:

همه کارها پیش رفته و در حال پیشروی است. خدا رحمت کند شادروانان ایرج افشار و دکتر عبدالحسین زرین کوب و استاد سیدمحمدعلی جمالزاده به من می گفتند برای تألیف تاریخ کشاورزی ایران باید اول تکنگاری کنی. من راجع به خرماي ایران و زردچوبه بیش از ۳۰ مقاله نوشته ام که همگی چاپ شده است ولی اینها باید تنظیم و مرتب شود. مجموعه مقالات می تواند تحت عنوان جستارهایی از تاریخ فرهنگی و فلاحی ایران به چاپ برسد. کار حروفچینی (تحریر ماشینی) انجام شده و آماده است تنها باید ویرایش شود.

❖ دکتر موسوی:

استاد ما الان یک تالار داریم و این امکان وجود دارد که این مطالب را در معرض استفاده عمومی بگذاریم تا هر کسی بخواهد از اینها استفاده کند. اگر شما اجازه دهید ما این کار را انجام دهیم و یک صفحه اینترنتی به اسم خودتان ایجاد می شود که همه آثار در آنجا باشد. آقای دکتر زند این دستور را به ما داده اند که این کار را برای بزرگان انجام دهیم.

❖ استاد ابریشمی:

همه مقالات مخلص در اختیار شما است، اما نخست باید به صورت مجموعه مقالات چاپ و منتشر شود، بعد می تواند در صفحه اینترنتی در معرض عام قرار گیرد. به این منظور پیشنهاد می کنم، همان سان که جناب



دکتر زند در باب چاپ تاریخ کشاورزی گفتند مجموعه مقالات اینجانب را با عنوان جستارهایی از تاریخ فرهنگی و فلاحی ایران با کمک مرکز نشر دانشگاهی به چاپ برسانید و پس از آن خلاصه‌ای از آن را در فضای مجازی در معرض عام می‌توان گذاشت.

❖ دکتر موسوی:

استاد با توجه به مطالعاتتان، نگاه به کشاورز به عنوان یک شغل در تاریخ ایران جایگاه بالایی بوده یا جزو مشاغل پایین در نظر گرفته می‌شد؟

❖ استاد ابریشمی:

مقام کشاورز در تاریخ و فرهنگ ایران همواره از جایگاه شامخ و نمایانی برخوردار بوده است. در اوستا و متون اوستایی و پهلوی و نیز متون کهن فارسی به کار کشاورزان یا برزگران ارج گذاشته شده و با احترام از شغل آنان یاد شده است.

❖ سخن آخر

تاریخ کشاورزی ایران در بردارنده رهنمودهای بسیار درباره پیشینه کشت و کار و استعدادهای اقلیمی و تأسیسات و ابزارهای کشت و کار و باغبانی و آب و آبیاری و امور وابسته چون دام و دامداری، پرورش طیور،

کرم ابریشم و زنبور عسل و استحصال شیرها و صمغ‌ها و ... و ... است که از تألیف آن تا کنون غفلت شده است. شاید دلیل آن کم‌اطلاعی مسئولان و تصمیم‌گیران امور فرهنگی و علمی و دانشگاهی در باب مباحث بسیار بااهمیت پیشینه تاریخی کشاورزی در این سرزمین باشد که تألیف تاریخ کشاورزی ایران در تاریکی به فراموشی سپرده شده است.



